

تشدید فشارها و مشکلات

دولت رفسنجانی از همه سو تحت فشار است. انتقادات و حملات به سیاستهای دولت از جانب نیروهای مختلف افزایش یافته است و روز بروز نیروهای بیشتری از درون حکومت به مخالفت با رفسنجانی بر می خیزند. او در زمینه های مختلف بویژه در مورد مسائل اقتصادی با مشکلات بیشماری روبروست و نمی تواند از همه حل معضلات بر بیاید. در محافل سیاسی داخل و خارج از موقعیت متزلزل رفسنجانی صحبت میشود. شایعات در مورد کناره گیری او افزایش یافته است. این وضعیت خامنه ای را وادار کرد که در سخنان اخیرش در دیدار با گروهی از جانبازان بدفاع از رفسنجانی بر خیزد. خامنه ای در این سخنرانی او را یک حزب الهی پر شور و امتحان داده توصیف نمود و شایعات را زمره های شیاطین خواند.

دولت رفسنجانی از جهات مختلف در تنگناست. دولت با یک بحران مالی جدی روبروست. بگفته "صندوق بین المللی پول" ذخایر ارزی ایران بطور چشمگیری کاهش یافته و ارز موجود تنها برای سه ماه واردات کافی است. رژیم اسلامی در سه ماه اخیر بخاطر مشکلات مالی نتوانسته است بدهی های کوتاه مدت خود را بپردازد و در انجام تعهدات مالی در قبال شرکت های خارجی ناتوان است. دیر کرد و ناتوانی جمهوری اسلامی در پرداخت تعهدات مالی به حامل منفی در معاملات و قراردادهای تجاری بانک ها و دول قریبی با ایران تبدیل شده است. در همین حال دولت رفسنجانی برای جبران کمبود منابع مالی بازم در صد افزایش قیمت کالاها و خدمات دولتی برآمده است. شورای عالی اقتصاد قیمت نصب و حق اشتراک گاز را چند برابر افزایش داده است. بگفته بیژن زنگنه وزیر نیرو قیمت آب بزودی افزایش خواهد یافت. دولت در صد یکی کردن نرخ ارز و حذف سوبسید است. طبیعا با اجرا شدن این سیاست، قیمت کالاهای مصرفی به چندین برابر خواهد رسید. افزایش قیمت ها زندگی مردم را فلج کرده است. مردم از این وضع به تنگ آمده اند. بهمین خاطر مرتباً علیه سیاستهای دولت به اعتراض بر می خیزند. سرکوب ها نتوانسته است حرکات اعتراضی مردم را بخواباند. رژیم برای مقابله با حرکات اعتراضی دستجات متعددی را تشکیل داده است ولی باین وجود بشدت از جنبش اعتراضی و ادامه دارد. استاندار خراسان در مقابل اعتراض مردم مشهد علیه افزایش قیمت نصب و حق اشتراک گاز مجبور شد که تصمیم شورای عالی اقتصاد را معوق گذارد. دولت رفسنجانی نمی تواند نه با سرکوب جنبش توده ای را بخواباند و نه قادر است خواستهای آنها را تامین کند. روز بروز نیروهای بیشتر از پایگاه اجتماعی جمهوری اسلامی به جنبش اعتراضی می پیوندند. این جنبش موفقیت دولت رفسنجانی و کل رژیم اسلامی را تضعیف میکند.

رفسنجانی از جانب واپس گرایان تحت فشار شدید قرار دارد. آنگاه سیاست های رفسنجانی شدیداً حمله می کنند. جنتی در خطبه نماز جمعه از عدم رعایت ارزش های اسلامی در نپایشگاه بین المللی انتقاد کرد و از خامنه ای خواست دستور دهد که هیات های امر به معروف و نهی از منکر در نپایشگاهها حضور داشته باشند. او در همین خطبه دولت را تهدید کرد که حزب الله مستقیماً وارد عمل خواهد شد. او گفت: "اگر قانون کشش نداشت حزب الله تحمل نمی کند و مستقیماً وارد عمل میشود". جنتی اضافه کرد در صورتی که کارگزاران حکومت در کار خود اهمال کنند، حزب الله تحمل خود را از دست داده و احساس وظیفه خواهد کرد.

برخی روزنامه ها بویژه کیهان بر انتقادات خود افزودند. کیهان به شدت به حضور کمال خرازی نماینده ایران در سازمان ملل در جلسه ادامه در صفحه ۲

اعتراضات مردم دامنه بیشتری می گیرد

مردم در مشهد، قم و قزوین علیه افزایش بهای حق اشتراک گاز دست به تظاهرات زدند

اعتراض مواجه شد. بزرگترین تظاهرات در مشهد روی داد. چندین هزار تن از مردم به جان آمده این شهر که چند ماه پیش با برگزاری تظاهراتی عظیم فضای جامعه را دگرگون کردند، بار دیگر گرد هم آمدند و در برابر شرکت نفت استان خواهان لغو فوری تصمیم اخیر شورای اقتصاد شدند. استاندار خراسان در برابر تظاهرکنندگان حضور یافت و از بیم گسترش تظاهرات و ناآرامی های تازه، تصمیم شورای اقتصاد را "تغییر قانونی" خواند و قول داد که مانع اجرای آن شود. بدنبال آن وی طی بخشنامه ای این تصمیم در سطح استان را غیر قابل اجرا اعلام کرد و از شورای اقتصاد خواهان بررسی مجدد آن شد. بنا به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه های تهران، مشهد، تبریز، اصفهان و شیراز مبلغ ۱۰ هزار تومان، در شهرهای با جمعیت بیش از ۲۵۰ هزار نفر، ۷ هزار تومان، در سایر

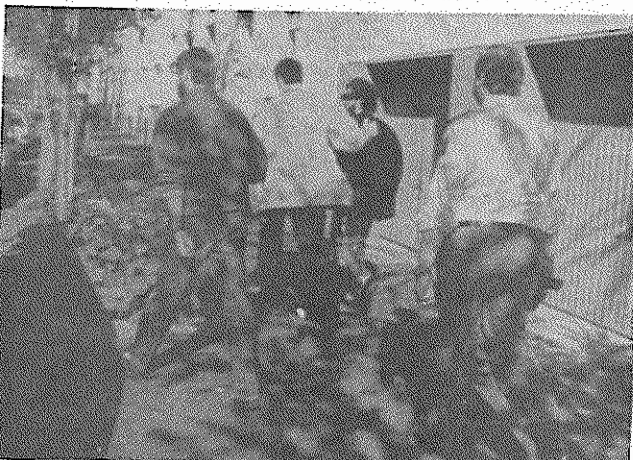
افزایش بهای حق اشتراک گاز در دو هفته گذشته موج تازه ای از اعتراضات در چندین شهر را بدنبال آورد. این اعتراضات که بدنبال افزایش ناگهانی و شدید اشتراک گاز روی داد، دولت را مجبور به عقب نشینی از تصمیمات اولیه خود ساخت. روز دوشنبه بیستم مهر ماه، روزنامه های تهران به نقل از شورای عالی اقتصاد اعلام کردند که بهای اشتراک گاز به میزان ۵ تا ۶ برابر افزایش یافته است. این تصمیم که به گفته وزیر نفت برای جبران کسر بودجه ۲۶ میلیارد تومانی وزارت نفت صورت گرفته، گرانی اعلام شده حق اشتراک در چند ماه گذشته را نه تنها رسمیت بخشید بلکه بیش از پیش افزایش داد. در همان حال وزیر نفت اعلام کرد که با تصویب شورای اقتصاد بهای خدمات شرکت گاز نیز افزایش خواهد یافت. تصمیم شورای اقتصاد که قرار بود از روز شنبه ۱۸ مهر ماه به اجرا درآید با موج گسترده ای از

اجتماع کرده و خواهان لغو تصمیم وزارت اقتصاد شدند. سخن مردم در تظاهرات و بیان اعتراضهایشان یکسان بود: در کشوری که بروی دریایی از نفت و گاز قرار گرفته است، این افزایش چندباره جز سودجویی هیچ معنایی ندارد. اتخاذ چنین تصمیمی آن هم در آستانه زمستان و فصل سرما که مردم بیشتری را از تهیه مواد سوختی و گرم کننده محروم می سازد بر نگرانی مردم افزوده است. به دنبال گسترش اعتراضات مردم، مسئولین رژیم از تصمیمات اولیه خود عقب نشستند و قیمت های اعلام شده را تعدیل کردند. دور روز پس از اعلام افزایش ۵ تا ۶ برابری بهای حق اشتراک، وزیر نفت این مقدار افزایش را تکذیب کرد و نرخ های جدیدی را اعلام نمود که ۲ تا ۳ برابر قیمت های قبلی است. مطابق این نرخ های جدید، مشترکینی که از کنوتورهای ۶ و ۱۰ مترمکعبی استفاده می کنند باید در شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اصفهان و شیراز مبلغ ۱۰ هزار تومان، در شهرهای با جمعیت بیش از ۲۵۰ هزار نفر، ۷ هزار تومان، در سایر

کشمکش در محافل حکومت بر سر بازگشت ایرانیان خارج کشور

توه قضائیه هفته گذشته با صدور اطلاعیه ای بازگشت ایرانیان خارج از کشور را "در صورتیکه مرتکب جرمی نشده باشند" بلا مانع اعلام کرد و گفت اینعه در صورت بازگشت به کشور زیر حمایت قوانین قضایی جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت. این اطلاعیه توه قضائیه که ظاهراً در پی "بروز سؤال و ابهام" صادر شد، به عنوانی جوابیه ای در برابر اظهارات احمد جنتی امام جمعه موقت تهران تلقی شد. احمد جنتی در خطبه های نماز جمعه برای بار دوم به سیاست بازگرداندن ایرانیان مقیم خارج از کشور اعتراض کرده و آن را "مساوی با از دست رفتن ارزش های انقلاب اسلامی" اعلام کرده بود. جنتی هم چنین تعدیل کرده بود که: "تحصل حزب الله تا حدی است و اگر حزب الله ببیند که کارگزاران اعمال می کنند، مطمئن باشید که حزب الله ادامه در صفحه ۳

شواهد هر چه بیشتر علیه جمهوری اسلامی



تلاش برای یافتن تروریستهای برلین همچنان ادامه دارد. عکس فوق ماهوران امنیتی پلیس آلمان را نشان می دهد که بدنبال یافتن سرخنی یک حزب الهی را بازداشت کرده اند. گروه ضربت ۷ نفره پلیس آلمان بعد از تجاجم به منزل فرد مذکور در بن او را بازداشت و بعد از چند روز بازجویی آزاد کرده اند.

ادامه در صفحه ۳

وزیر فرهنگ و ارشاد: حرکت فرهنگی در جامعه فاقد آزادی اندیشه وجود نخواهد داشت

علی لاریجانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ممنوعیت ورود ویدئو و فعالیت های ویدئویی و ممنوعیت واردات و صادرات کتاب را نامعقول دانست و گفت: این ممنوعیتها به خاطر عدم درک درست از شرایط کشور و مقتضیات جهانی اعمال شده است. لاریجانی که در اردوی دانشجویان دانشگاهها سخن می گفت با اشاره به ممنوعیت واردات و صادرات کتاب اظهار داشت: مگر می شود ورود فکر را به کشور ممنوع کنیم. وی اضافه ادامه در صفحه ۲

از سال آینده نرخ ارز یکسان می شود

بنا به اظهارات دوتن از وزیران دولت و نیز خود هاشمی رفسنجانی، نرخ های سه گانه کنونی ارز از سال آینده از بین رفته و نرخ برابری واحدی جای آن را خواهد گرفت. دو هفته پیش بیژن زنگنه وزیر نیرو در گردهمایی مدیران شرکت های آب و فاضلاب اعلام کرد که در سال ۱۳۷۲، از یک نرخ خواهد شد. هفته گذشته فروش وزیر جهاد سازندگی نیز اظهار داشت که از سال آینده ارز یک نرخ شده و از دستگاه های دولتی به قیمت ۱۰۰ تومان ارائه خواهد شد. رفسنجانی نیز در سفر هفته گذشته خود به سمنان این تصمیم دولت را تأیید کرد. تاکنون سه نوع نرخ دولتی، رقابتی و شناور مبتنی محاسبات و مناسبات مالی در کشور بود و ارز بخشی از دستگاه های دولتی برای هر دلار ۷۰ ریال محاسبه می گردید. این نرخ دولتی در واقع سوبسیدی بود که دولت برای جلوگیری از افزایش بهای

در این شماره :

نشریات مستقل: نقش و عملکرد آنها

ادامه در صفحه ۷

تصویر غریب ما در آئین سازمان فدائی - ایران

ادامه در صفحه ۸

نخست باید نه گفتن را فرا گرفت

ادامه در صفحه ۹

یادداشت

امکانات فرهنگی در دست کیست؟

یکی از موضوعاتی که از جانب واپس‌گرایان در مورد مسائل فرهنگی طرح می‌شود، برخورد ارگان‌ها و نهادهای فرهنگی با مسئله امکانات دولتی است. آنها بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تازند که امکانات دولتی را از حزب الهی‌ها دریغ میدارد و در اختیار دگراندیشان قرار می‌دهد. این موضوع در زمینه کتاب، نشریات، فیلم و سایر عرصه‌های فرهنگی مطرح است. این ادعا تا دگراندیشان در زمینه فرهنگی از چه امکاناتی برخوردارند؟

در زمان حکومت شاه عده زیادی از مؤسسات فرهنگی و تبلیغی از جمله رادیو و تلویزیون، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و تعدادی از انتشاراتی‌ها در دست دولت بود. رژیم اسلامی در جریان انقلاب بعمق تمام این ارگان‌ها را در دست خود گرفت و بسیاری از مؤسسات خصوصی فرهنگی را نیز مصادره کرد. اکثر مؤسسات فیلم‌سازی، سالن‌های نمایش، سینماها، تعدادی از مؤسسات انتشاراتی‌های بزرگ، مؤسسات عظیم مطبوعاتی کیهان و اطلاعات را تصاحب کرد و یا تحت مدیریت خود درآورد. از سال ۶۰ به بعد حکومت اسلامی انتشار روزنامه‌ها و مجلات مستقل و نشریات سازمان‌های سیاسی مخالف را متوقف کرد. بر چاپخانه و انتشارات کتاب و مطبوعات کنترل شدیدی اعمال نمود. در همین حال رژیم اسلامی نهادی‌های متعددی در زمینه فرهنگی دایر کرد. هم‌اکنون ۱۸ روزنامه‌ای که در سرتاسر کشور انتشار می‌یابد، در اختیار دولت و نیروهای وابسته به جمهوری قرار دارند. به استثناء روزنامه سلام، در جمهوری اسلامی مهم امکانات فرهنگی و تبلیغی در دست نیروهای حامی نظام است: «با نگاهی گذرا به جهت‌گیری این امکانات شاید بتوان گفت که بیش از ۹۹/۵ درصد آنها در حمایت کامل یا حداقل حمایت نسبی نظام گام بر میدارند (البته ما در تیم درصد بقیه هم شک داریم) ولی معلوم نیست که چرا از درصد کوچک باقی‌مانده تا این حد ترس و دل‌عری وجود دارد؟» (روزنامه سلام ۱۱ فروردین ۱۳۷۱)

امکانات عظیمی در زمینه فرهنگی در دست حکومت اسلامی متمرکز است. درحالی‌که بخش خصوصی امکانات ناچیزی دارد. طبیعتاً امکانات دولتی در خدمت اشاعه فرهنگ حاکم و نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی است. فرهنگ‌سازان مستقل تنها از قسمتی از امکانات اندک بخش خصوصی بهره می‌گیرند چرا که بخش عمده امکانات بخش خصوصی نیز متعلق به نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی است.

اعتصاب دانشجویان در بابل

روز ۲۵ مهرماه دانشجویان دانشکده فنی بابل دست به اعتصاب زدند و کلاسهای درس را تحریم کردند. دانشجویان با اجتماع در مقابل ساختمان اداری دانشکده خواهران پاسخگویی مسئولین آموزشی به خواسته‌های خود شدند. دانشجویان می‌گویند: با اینکه ما واحدهایی معادل رشته‌های مهندسی می‌خوانیم ولی مدرک مهندسی به ما نمیده‌ند و هلیترقم قولی‌هایی که

اعتراضات مردم دامنه بیشتری می‌گیرد

ادامه از صفحه ۱

شهرها ۶ هزار تومان و در روستاها ۵ هزار تومان بپردازند. نرخ‌های جدید هم چنان مورد اعتراض است. مردم نه تنها به این نرخ‌ها اعتراض دارند، بلکه از آن‌ها نگرانند که با فروکش کردن نا رضایتی‌ها، حق اشتراک و خدمات را باز هم گران‌تر کنند. موفقیت مردم مشهد در لغو موقت قیمت‌های اعلام شده، مردم سایر شهرها را نیز امیدوار کرده است که در صورت ادامه اعتراضات خود بتوانند سدی در برابر گرانی خریدکننده به وجود آورند.

تظاهرات جانبازان

گرانی حق اشتراک گاز، تنها انگیزه جدیدی برای بروز اعتراض مردم علیه شرایط طاقت‌فرسای زندگی در سایر نقاط کشور بود. فشارها به حدی است که حتی گروه‌های طرفدار رژیم، آسیب‌دیدگان جنگی، خانواده‌های قربانیان جنگ و بخش‌هایی از حزب‌الله را نیز دربر گرفته است. یکی از آخرین نمونه‌ها تظاهرات آسیب‌دیدگان جنگی در تهران، زد و خوردات آنها با مأمورین شهرداری و سپس تحصن آنها است. به گزارش روزنامه سلام گروهی از آسیب‌دیدگان جنگ در حالی که مشغول تعمیر و ساختمان‌سازی بر روی زمین‌هایی بوده‌اند که مدعی هستند به طور قانونی به آنها تعلق دارد، مورد حمله مأمورین شهرداری منطقه ۳ تهران قرار گرفتند. در این حمله گروهی از آسیب‌دیدگان مجروح و به گزارش روزنامه سلام دست‌کم ۲۲ تن دستگیر شدند. بدنبال این حمله، شهرداری حدوداً ۱ میلیون تومان از اموال آسیب‌دیدگان شامل منبع آب، موتور و ماشین را ضبط نمود. مطابق خبر این روزنامه تعداد زیادی از آسیب‌دیدگان جنگی در خیابان پاستور محصن شده و خواستار آزادی دستگیرشدگان و تحقق سایر خواسته‌هایشان شده‌اند. محصنین در تماس با روزنامه‌ها تأکید کرده‌اند که تا رسیدگی به خواسته‌هایشان از مبارزه دست‌نخواهند کشید.

در همین حال شهرداری تهران ضمن تأیید خبر دستگیری‌ها، مدعی شد که آسیب‌دیدگان به ساختمان شهرداری منطقه حمله کرده و شیشه‌های آن را خرد کرده و تعدادی از ماشین‌های شهرداری را متصرف شده‌اند.

وزیر فرهنگ و ارشاد:

ادامه از صفحه ۱

کرد: ممنوعیت صادرات و واردات کتاب و مطبوعات، نوار موسیقی و نقاشی و دیگر آثار هنری نیز از جمله سیاست‌های نامعقولی است که در سال‌های اخیر اعمال شده است.

لاریجانی می‌گوید اگر بپذیریم که مرزهای فرهنگی از میان رفته است، باید تلاش کنیم کالاهای فرهنگی‌مان را بمقدار زیاد و جذاب در اختیار دیگران قرار دهیم.

وزیر ارشاد با اعلام اینکه راه برای سرمندان متعدد باز است گفت: حمایت از سرمندان متعدد بدین معنا نیست که امکان دیگران را از صحنه بدر کنیم. باید همه حق فکر کردن و انجام کار هنری داشته باشند. این اصل که باید

اعتراضات دیگر

از بسیاری از شهرهای ایران و بدویژه تهران خبرهای حاکی از اعتراضات کوچک و بزرگ می‌رسد. برطبق این گزارش‌ها گروه‌هایی از مردم تهران در برابر ساختمان وزارت کشور و هم‌چنین در منطقه شهرک غرب دست به تظاهرات زده‌اند. گفته می‌شود در این تظاهرات، مردم علیه رفسنجانی و خامنه‌ای شعار داده‌اند. از جمله موارد اعتراضی دیگر در تهران تظاهرات کارمندان وزارت بهداشت و درمان به خاطر افزایش حقوق‌ها، درگیری مردم در جنوب شهر تهران با مأمورین شهرداری بر سر خراب کردن خانه‌ها، تظاهرات دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر به همت کمبود خوابگاه و درگیری مردم تهران نو با مأمورین شهرداری بخاطر جلوگیری از ضبط بساط دوره‌گردها بوده است.

ناآرامی‌هایی در این منطقه پیش از سفر اخیر خامنه‌ای به لرستان رخ داده است. در همین حال از شهر فارس خبر می‌رسد که در شهریور ماه گذشته مردم این شهر در اعتراض به گرانی و فقر دست به تظاهرات زده‌اند و به خانه جمعه شهر و ساختمان فرمانداری حمله کرده و تعدادی از خودروهای دولتی را به آتش کشیده‌اند.

گسترش اعتراضات در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم با استفاده از همه امکانات خویش می‌کوشد بر اوضاع مسلط بماند و نا رضایتی‌ها را آماج سازد. بدین منظور تقریباً تمامی نیروهای انتظامی و سرکوبگر رژیم در حال آماده‌باش به سر می‌برند و با برگزاری مانورهای پی‌درپی در صدد تشدید جو ارباب، ترس و تسلیم دو جامعه هستند. رژیم به منظور کارایی بیشتر نیروهای سرکوبگر خود دست به سازماندهی مجدد نیروهای خود زده و مهره‌های مورد اعتماد بیشتری را بر رأس واحدهای نظامی و انتظامی می‌گمارد.

هلیترقم اقدامات امنیتی و پیشگیرانه رژیم، شرایط توان فرسای زندگی، جامعه ایران را بر مردم به سوی اعتراض و ناآرامی می‌کشد. تظاهرات و اعتراضاتی که از حساب خارج شده‌اند، از یکسو نشانه ناامیدی قطعی مردم از حکومت اسلامی و از سوی دیگر نشانه اراده بیشتر آنها برای تغییر اوضاع است.

فخای مناسب برای فعالیت سرمندان مسلمان وجود آید درست است، اما باید در جامعه آزادی اندیشه وجود داشته باشد و اشخاص با رعایت ضوابط بتوانند فعالیت کنند.

وزیر ارشاد در ادامه سخنانش گفت: اگر در جامعه‌ای آزادی فکر و اندیشه وجود نداشته باشد، حرکت فرهنگی در آن جامعه وجود نخواهد داشت. البته آزادی هم دارای حدودی است که باید رعایت شود. هلی لاریجانی بتازگی بجای سید محمد خاتمی به وزارت ارشاد منصوب شده است. دکتر خاتمی به خاطر تحمل حد معینی از فعالیت فرهنگی روشنفکران کشور مورد انتقاد و زیر فشار محافل قشری و محافظه‌کار حکومت بود. وی زیر این فشارها سه ماه پیش مجبور به استعفا شد.

تشدید فشارها و مشکلات

ادامه از صفحه ۱

شورای روابط خارجی آمریکا حمله کرده و گفته است که هم‌اکنون هواخواهان و سینه چاکان "ابطله" با آمریکا خط تماس خود را گستاخانه حتی به خصوصی‌ترین محافل سیاسی آمریکا نیز کشانده‌اند. در همین حال از جانب قشریون همچنان به حکم صادره در مورد طرح ناز ادا داده‌اند.

مجلس شورا هم در مقابل دولت تدبیر افراشته است. اکثر نمایندگان مجلس در زمینه‌های مختلف به مخالفت با دولت برمی‌خیزند و مرتباً از سیاست‌های دولت انتقاد می‌کنند. مجلس در چند مورد علیه هم مخالفت شدید دولت لویجی را به تصویب رساند. اخیراً نیز، باز زمره در مورد استیضاح وزیر کشور در مجلس بالا گرفته است. وزیر کشور به ده سوال نماینده سنقر و کلیایی در مورد مسائل و تخلفات استانداری‌ها، شهرداری‌ها، بخشداری‌ها و فرمانداران استان باختران در مجلس پاسخ گفت ولی نماینده مزبور پاسخ وزیر را قانع کننده نیافت و سئوالات به کمیسیون برگشت. بنوشته روزنامه سلام احتمالاً این مسئله پیش زمینه‌های استیضاح وزیر کشور خواهد شد.

علاوه بر مسائل بالا ترور، بمب‌گذاری، آتش‌سوزی، دزدی و جنایت در چندماه اخیر افزایش یافته است و وضعیت ناآرامی را در کشور بوجود آورده است.

مجموع وضع کشور موجب نگرانی شدید گردانندگان حکومت شده است. خامنه‌ای که مدتی قبل قدم جلو گذاشت و با راه انداختن موج نعی از منکر به مقابله با بخشی از سیاست‌های دولت برخاست و راه را برای ترک تازی قشریون باز کرد، اکنون از تشدید فشارها و رشد اعتراضات توده‌ای بوحشت افتاده و بدفاع از رفسنجانی برخاسته است. اما وضع خراب‌تر از آن است که این حمایت‌ها بتواند کار ساز شود. رفسنجانی مصمم است که قاطعانه‌تر از قبل سیاست تعدیل اقتصادی را پیش ببرد. ولی تداوم این سیاست بویژه یکی کردن نرخ ارز و حذف سوسپید به افزایش چندبرابر قیمت کالاها و تشدید فقر و مسکنت مردم و تعطیل تعداد زیادی از واحدهای تولیدی منجر خواهد شد. شکاف بین بالا و پایین تشدید شده و مشکلات بطور روزافزونی افزایش یافته است. به‌عین خاطر آینده تیره و تاری در مقابل جمهوری اسلامی از جمله دولت رفسنجانی قرار دارد.

انفجار در مقبره خمینی

روز شنبه ۱۱ مهرماه انفجار چند بمب در مقبره خمینی، بخش‌هایی از ساختمان آن را ویران کرد. روزنامه‌های تهران انفجار یک "شبی انفجاری دست‌ساز" در محوطه آرامگاه را مورد تأیید قرار دادند. به نوشته روزنامه‌ها این بمب در یک سطل زباله در کفش‌کنی مقبره کار گذاشته شده بود. بدنبال انفجار رژیم در بهشت زهرا مأمورین رژیم گروهی را دستگیر کردند. از تعداد و هویت بازداشت‌شدگان اطلاعی منتشر نشده است. بدنبال انتشار خبر فوق سازمان مجاهدین خلق مسئولیت این بمب‌گذاری را به عهده گرفت و مدعی شد که هواداران این سازمان ۳ بمب قوی در مقبره منجر کرده‌اند که دو بمب در قسمت داخلی آرامگاه کار گذاشته شده بود. به گفته سا زمان مجاهدین بر اثر انفجار، عده‌ای از نگهبانان و افراد سپاه پاسداران زخمی شدند. این سازمان دستگیریهایی را که بدنبال این بمب‌گذاری رخ داد، "وسیع" نامید.

روز ۱۶ مهرماه نیز یک بمب در مسافرخانه کوچکی به نام "ایران فرد" در حوالی بازار منجر شد که ۵ تن را زخمی کرد. یکی از مجروحین بعداً در بیمارستان درگذشت. به گفته مقامات امنیتی جمهوری اسلامی فرد کشته شده، حامل بمب‌گذاری بوده است. رژیم این بمب‌گذاری را به عوامل حکومت عراق نسبت داد.

طی ماه‌های اخیر موج فراینده‌ای از بمب‌گذاری، ترور، آتش‌سوزی و سایر اقدامات تخریبی در کشور روی داده است. ترور حسین مرتضوی مدیر کل امور سیاسی و امنیتی استانداری کرمان در جاده سیرجان، ترور حسین رزاقی، که

گفته می‌شود یکی از بازجویان و شکنجه‌گران رژیم بوده است، در برابر خانه‌اش در خیابان بوذرجمهری تهران، ترور مشهد، انفجار یک بمب در مقابل جهاد سازندگی گنبد، حمله به بنیاد الحادی وابسته به هادی فغاری، آتش‌زدن کارخانه نوشابه‌سازی ارومیه، از جمله موارد فوق در دو ماه اخیر است. هیچ گروه و جریانی مسئولیت این اقدامات را به عهده نگرفته است. در کنار این اقدامات موج وسیعی از آتش‌سوزی‌ها در گوشه و کنار کشور برپا شده است. تنها طی دو هفته اخیر، "نمایشگاه عرضه مستقیم کالا در اصفهان با بیش از صد میلیون خسارت، شرکت میثاق در خیابان صاحب جمع در تهران با بیش از سه میلیون تومان خسارت، یک مجتمع مسکونی در میدان قاضی با بیش از یک میلیون تومان خسارت، ۳۱ واحد تجاری و اداری در بخش خشکبیجار از توابع رشت، ساختمان اداره تربیت بدنی آستانه اشرفیه، سالن شماره ۱۲ نمایشگاه بین‌المللی تهران با ۴ میلیارد ریال خسارت، کارخانه پوشش رشت با یک میلیارد ریال خسارت دچار آتش‌سوزی شده‌اند.

آتش‌سوزی‌های تقریباً هر روزه در کارخانجات، مؤسسات دولتی و انبارهای توزیع کالا، احتمال خرابکاری‌های عمدی را بیشتر ساخته است. مقامات رژیم در برخی موارد عمدی بودن تعدادی از آتش‌سوزی‌ها را مورد تأیید قرار داده‌اند.

موج ترور، بمب‌گذاری، آتش‌سوزی و اقدامات تخریبی دیگر نشانه گسترش اقدامات خشونت‌آمیز در کشور در طی چند ماه گذشته و بویژه از زمان تشدید اعتراضات مردمی است.

شو اهد هر چه بیشتر علیه جمهوری اسلامی

دادستان فدرال آلمان کارلسروهه اعلام کرد که طی دور روز ۷ و ۸ اکتبر سه تن دیگر به اتهام دست داشتن در ترور دکتر محمدصادق شرفکندی و یاران او در برلین دستگیر شده اند. یکی از این سه تن، فردی ایرانی به نام کاظم داوری (۳۳ ساله) و دو نفر دیگر دولتمانی به نام های حسن آ. (۲۲ ساله) و حسام حسن س. (۲۷ ساله) می باشند.

کاظم داوری متهم به آن است که دولتمانی متهم به قتل را در خانه خود پناه داده است. اتهام حسن آ. و حسام حسن - س تمهیه پاسپورت های جعلی برای این متهمین به قتل است.

بر اساس پاره ای از گزارش ها روز دوشنبه ۱۲ اکتبر پلیس در یکی از محلات بن خانه ای را که

متعلق به سفارت ایران می باشد، به محاصره در آورده و در صدد دستگیری چهار نفر که در این خانه بوده اند برآمده است. این گزارشات حاکی از آنند که سه تن از این افراد موفق به فرار و پناه بردن به سفارت جمهوری اسلامی ایران شده اند. بر اساس این گزارشات این دو تن از فردی ایرانی به نام مستعار عبداللهمی به عنوان رابط خود نام برده اند.

این دستگیریها، اعتراضات متهمین و شواهد و اطلاعاتی که بدست آمده اند هر چه بیشتر بر برنامه ریزی این ترور از طرف حاکمان اسلامی ایران گواهی می دهند.

جمهوری اسلامی که در ابتدا آمادگی خود برای همکاری با

ادامه و اکنش ها نسبت به ترور برلین

با گذشت حدود یک ماه از ترور مایون اردلان، نوری دهکردی، دکتر محمد صادق شرفکندی و فتاح عبدلی در برلین، اعتراضات علیه این اقدام کماکان ادامه دارد:

بیانیه ای در مجرمات جاری از سوی سازمان ندائیان خلق ایران (اکثریت) - هلند، حزب دموکرات کردستان ایران - کمیته هلند، حزب دموکراتیک مردم ایران - سازمان هلند، نهضت مقاومت ملی ایران - هلند و منفردین سیاسی - هلند انتشار یافت که در آن جمهوری اسلامی مقامات آلمان در پیدا کردن تروریست ها را اعلام کرده بود، پس از اعلام خبر دستگیریهای اخیر هیچگونه اظهار نظری پیرامون آن نکرده است.

مسئول این جنایت شناخته و محکوم شده است. امضا کنندگان بیانیه با اعلام اعتراض به دول اروپایی که ترورهای مختلف در خاکشان صورت می گیرد، تنها راه نتیجه بخش مبارزه با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی را اتحاد نیروهای ایوریسیون و اقدام مشترک علیه رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی دانسته اند.

در اعتراض به ترور مذکور روز چهارشنبه اول مهرماه مصادف با ۲۳ سپتامبر تظاهراتی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در هلستینکی پایتخت فنلاند برگزار شد. در این تظاهرات حدود ۶۰ نفر از کردهای ایرانی، عراق و ترکیه و جمعی از دیگر پناهندگان شرکت داشتند. آن ها با دادن شعارهایی علیه ترور و جمهوری اسلامی، خواستار محکومیت رژیم از طرف جوامع حقوق بشر شدند.

«کمیته ایوریسیون ایرانی در تبعید علیه ترور - برلین» نیز با انتشار دو اطلاعیه بزبان فارسی و یک اطلاعیه بزبان آلمانی تروریسم دولتی جمهوری اسلامی را محکوم کرد و اطلاعاتی درباره اقدامات مقامات آلمانی در جریان پی گیری پرونده ترور اخیر برلین ارائه داده است.

در حاشیه رویدادها

تشدید حملات به "سیما"

بعد از وزارت ارشاد اسلامی نوبت به صدا و سیما رسیده است. تشریون این یا آن برنامه تلویزیون را دست آویز قرار میدهند و سازمان صدا و سیما را زیر ضرب میگیرند. روزنامه کیهان در این مورد هم پیشگام شده است. در شماره های اخیر این روزنامه دو مطلب در ستون نامه وارده درج شده است یکی با عنوان "اهانت به زن چادری در سیما جمهوری اسلامی" و دیگری با عنوان "با این سیما چگونه میتوان مردم را به مقابله با تهاجم فرمندی فراخواند؟". اخیرا نیز مجلس شورا

مصوبه ای زیر عنوان "تحقیق و تفحص نسبت به عملکرد صدا و سیما" تصویب کرد که بر اساس آن مجلس حق دارد در امور صدا و سیما تحقیقات لازم را بعمل آورد.

اکنون واپس گرایان حملات خود را روی صدا و سیما متمرکز کرده اند و می خواهند محمد هاشمی را همانند دکتر خاتمی کنار بزنند تا راه برای تغییر مشی آن سازمان مطابق با خواست تشریون باز شود. آنها می خواهند یک بیک سنگرهای از دست رفته را بازستانند.

اعتراض نسبت به حکم دادگاه

حکم دادگاه در مورد طراح نشریه فاراد با اعتراض شدید واپس گرایان روبرو شده است. دادگاه با وجود میاهوی شدیدی که بر سر این موضوع برپا شد، طراح نشریه را به یک سال حبس و پرداخت پنجاه هزار تومان جریمه محکوم کرد. روزنامه سلام و اطلاعات از برخورد دادگاه در این زمینه دفاع کردند ولی روزنامه کیهان و جمهوری اسلامی به اعتراض برخاستند. دسته جات مختلف حزب الهی نیز طی نامه ها و اعلامیه های متعددی علیه رای دادگاه اعتراض کردند. اخیرا کیهان نامه "جمعی از مدرسین مراکز تربیت معلم" و "جمعی از فارغ التحصیلان کارشناس ارشد فلسفه اسلامی" را چاپ کرده است.

یزدی رئیس قوه قضائیه در پاسخ به این اعتراضات گفت که آراء قضات ماضن محفوظ داشتن ارزشهای انقلابی متکی به قانون بوده است. او اظهار داشت که "مردمی که این نشریات دم از حمایت آنان می زنند و بزبان آنان سخن می گویند چرا به قوه قضائیه که در قبال احکام صادره از سوی دادگاه ها مسئولیت مستقیم دارند نه مراجعهای دارند و نه در قالب نامه و هریضه، تعرضی؟ آیا بهتر نیست بجای اینگونه برخوردها پاسدار قانون باشیم؟" این سخنان نشان می دهد که یزدی به اعتراضات واقعی نمی گذارد و از حکم صادره دفاع می کند. تشریون احساس می کنند که در این بازی بازنده شده اند.

خبرنگاران راکتک میزنند!

خبرنگار کیهان در آبادان را چند موتورسوار با استفاده از تاریکی شب و به هنگامی که از محل کار خود به خانه باز می گشت مورد حمله قرار دادند و پس از ضرب و شتم او گریختند. کیهان می گوید که وی قلا چندین بار تلفنی مورد تهدید قرار گرفته بود و بهانه این تهدیدها محابره خبری در مورد آتش سوزی در سینما ایران آبادان بوده است. کیهان مجامعین را افراد ناشناس خوانده است. به نظر می رسد این افراد ناشناس وابستگان باندهای درون حاکمیت هستند که از خط مشی این روزنامه ناراضی اند. چندی پیش از

این نیز خبرنگار کیهان در تبریز را به جرم محابره خبری بازداشت کردند و "به طور قانونی" مورد ضرب و شتم قرار دادند.

فشار، تهدید، ضرب و شتم و بازداشت خبرنگاران شیوه تازه ای است که باندهای رقیب در درون رژیم برای اهراب روزنامه های رقیب یافته اند. این شیوه ها بخشی از تلاش های هموی نیروهای رژیم برای گسترش جو اختناق حتی در میان روزنامه ها و نشریات حکومتی است. ظاهرا قصد این است تا با سلب امنیت خبرنگاران و اهراب آنها، مانع درج اخبار نامطلوب شوند.

از سال آینده نرخ ارز یکسان می شود

ادامه از صفحه ۱

۱۰۰ تومان را مدنظر دارد. لازم به تذکر است که همزمان با اعلام تصمیم دولت برای یکسان سازی نرخ ارز از سال آینده، هیاتی از کارشناسان بانک جهانی به دعوت وزارت اقتصاد و دارایی وارد تهران شدند. روزنامه کیهان نوشته است این هیات در اقامت ۴ روزه خود در تهران "راه های حمایت از انتشار آسیب پذیر را مورد بررسی قرار می دهد و روشهایی در این زمینه پیشنهاد می نماید".

به نوشته این روزنامه قرار است این هیات با دستگاه های مربوط مانند سازمان برنامه و بودجه، وزارت بازرگانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، مرکز آمار ایران، کمیته امداد امام خمینی، سازمان بصریستی و بنیاد پانزده خرداد ملاقات هایی داشته باشد.

گرانتر خواهد شد. این افزایش بها قطعا شامل برق و گاز نیز خواهد بود. از هم اکنون قیمت انشعاب گاز تا عریب برابر افزایش یافته است که اعتراضات زیادی را برانگیخته است.

هنوز نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی بر اساس تصمیم جدید دولت که از سال آینده اجرا خواهد شد، رسماً اعلام نشده است. در حالیکه وزیر نیرو از احتمال تثبیت ۱۴۰ تومان برای هر دلار سخن گفته است، فروش وزیر جهاد سازندگی نرخ محاسبه ارز دستگاه های دولتی در بودجه سال ۷۲ را ۱۰۵ تومان اعلام کرده است. گفته می شود در این باره میان دولت جمهوری اسلامی و مقامات بانک جهانی اختلاف هست. بانک جهانی رقمی معادل ۱۴۰ تومان برای تثبیت بجای هر دلار مناسب می داند، در حالیکه دولت رقمی نزدیک به

هجد همین نمایشگاه بین المللی تهران و سوز دل حزب الله

نمایشگاه بین المللی تهران روز دوشنبه ۲۰ مهر ماه پس از ده روز فعالیت به کار خود پایان داد. صد هاش شرکت خارجی از ۵۳ کشور جهان و تعداد زیادی از شرکت های داخلی تولیدات خود را در این نمایشگاه به نمایش گذاشتند. به نوشته روزنامه های تهران در طول ده روز فعالیت نمایشگاه بیش از چهار میلیون نفر از آن بازدید کردند و دهها شرکتزاد محاذله تجاری میان شرکت های داخلی و خارجی به امضای رسید. اما نمایشگاه امسال هر چند حداقل در حد نمایش ظاهر آموافق بوده، اما همین موفقیت

ظاهری هم موجبات ناراحتی ناراضی حزب الله را فراهم ساخت. روزنامه کیهان پس از پایان کار نمایشگاه در چند شماره خود در مطالبی با عنوان "نامه وارده" سوز دل خود و حزب الله را از نحوه برپایی نمایشگاه و مسایلی که "نمایشگاه را به ابزاری برای خدشه وارد کردن به دستاوردهای عظیم انقلاب" تبدیل کرده، انعکاس میدهد. بخش عمده علت ناراحتی و خون دل خوردن حزب الله آن بود که در نمایشگاه امسال از دختران دانشجوی بخش زبان های خارجی دانشگاه آزاد به عنوان مترجم از ترنهای خارجی استفاده شده

بریده زیر قسمتی از یکی از نامه های وارده به روزنامه کیهان (۲۳ مهر) است:

بزرگترین چشم روشنی نمایشگاه امسال، حضور شرکت های ایالات متحده آمریکا یا همان شیطان بزرگ بود البته تحت لوای پرچم و بیرق سایر کشورها و خصوصا کانادا از قبیل شرکت هایی چون ژنرال موتورز، وایرپول، وست هاوون و غیره و یخچال های با انگ U.S.A. و شورلتی که در زیر درختن آفتاب ملایی ایرانی چشمک زنان به دور خود است و در کنارش هجوم بعضی از هموطنان برای دریافت بطریهای پلاستیکی، ساکهای دستی، کاتولوک های رنگارنگ و قوتقه تنسرامیز آن علیامخدره خارجی بهنگام پرتاب بروشورهای تبلیغاتی زنانه! به سوی سیاحان مشتاق و حرمس برای جمع آوری هرچه بیشتر کاغذهای رنگارنگ. و یا نمایش آخرین مدل های هاتنوهای نیم تنه برن دوشیزکان محترم! همراه با هوای پریشان، آرایش های غلیظ و عنیک های دودی آویزان از سر و گردن و قیافه های فیلسوفانه گرفتن و پسا آداب تمام! حرف زدن و حتی انگلیسی باخودشان و لرون های بی و برهنه ای دکوری و مرادوه و مصافحه آزاد پسران و دختران و حضور بانوان در غرفه های داخلی و خارجی با همان شکل و شمایل و توصیفات و صلابته برای دکور و بعنوان مکمل دکوراسیون! و نمایندگی فروش آدامسهای خارجی و چولن نیز با انگ «تاکسی تهران» و درختن تیویوتا و تابلوهای صنعتی؛ زاپن آراسته به تصاویر رقصا

و جشن های سنتی با نواز سوتی و تصویری همراه با درختن لامپها، پخش جاز، فضای معطر به عطر پیه و حضور فعال نمایندگی های داخلی بجای خود حضرات خارجی و تعابیر و تناسیری با آب و تاب تمام از محصولات بیگانه و پوسته های تبلیغاتی زنانه و مرادوه حتی در غرفه های داخلی و پاروی پا انداختن آن خانم جلیل... در غرقه کیش آزاد، و صلابته اختصاص زیباترین غرفه به سوئیس (که معرف خنوزگان هست!) و پله های برقی زرد و زردی فراوان و کولاک رنگ و صدا و تصویر و افتخار خرید دستگاه تصفیه آب گوجه و نمایندگی انحصاری واردات! بنز در دست بنیاد مستضعفان! و جانبازان! بادکنکها و بالونهای پرواز افته و های وهوی تزوین شرکت های مصرفی داخلی و خارجی و مظلومیت تولید کنندگان داخلی و... و... و...

مشمز کنند.

بیرون زدم. و در راه صدای علیامخدرای از ضبط مینی بوس و عبور پژوی ۵۰۰ به همراهی خانمی که روسری را روی دوشش انداخته بود و تابلوهای تبلیغاتی بزرگ بر در و دیدار شهر و...

به خانه رسیدم، با دلی شکسته و قلبی پر درد، گریستم یاد همه ارزشها و پاکیها و شهادهای... و...

صحنه ای که حزب الله را تکان داده است.



عمر ذخایر نفتی کشور ۱۲ سال است

ذخایر نفتی کشور طی ۱۲ سال آینده تماماً استخراج و مخازن نمی خواهند شد. این خبر تکان دهنده از سوی مهندس الویری مشاور رئیس جمهور و دبیر شورای عالی مناطق آزاد (تجاری-صنعتی) اعلام گردید. کمی پیش از انتشار این خبر، آقازاده وزیر نفت با اعلام کشفیات ذخایر تازه نفتی مدعی عمر درازتری برای نفت ایران شده بود.

در همین حال در تهران یکی از مقامات وزارت نفت اعلام داشت حجم تولید نفت ایران در مهرماه به ۴ میلیون بشکه در روز رسید. به گفته این مقام افزایش دادن تولید به این سطح به منظور نشان دادن قدرت بالقوه استخراج نفت از سوی ایران و به تصمیم هیات دولت صورت گرفت. وی در همین حال افزود: «ما به هر سطحی از تولید که دست باییم، میزانی ماندنی و پایدار خواهد بود». این گفته به معنای آنست که وزارت نفت مصمم به حفظ این سطح تولید برای همیشه است. از کل تولید نفت ایران ۴۰۰ هزار بشکه در روز از منابع فلات قاره و بقیه از مخازن عمق خشکیها بدست می آید.

فرانسه اعتبار بلند مدت به ایران نمی دهد

برای تکمیل و تجهیز پتروشیمی تبریز قراردادی به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار با شرکت فرانسوی تکنیپ منعقد گردید. این قرارداد در جریان سفر اخیر وزیر تجارت خارجی فرانسه به ایران امضاء شد. این مقام فرانسوی در تهران به خبرنگاران گفت فرانسه حاضر به دادن اعتبارات بلند مدت به جمهوری اسلامی نیست و همچنین در شرایط کنونی کمپانیهای فرانسوی اقدام به سرمایه گذاری مستقل در ایران نمی کنند و تنگنا به مبادلات بازرگانی و سرمایه گذاری مشترک علاقمندند. وی گفت تغییر این روش مشروط به تضمین هائی است که دولت ایران باید بدهد.

استان جدید

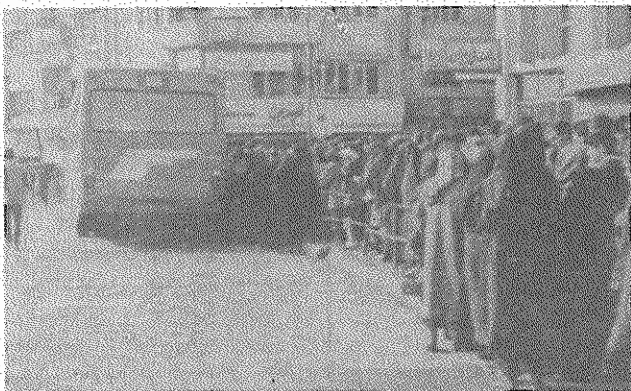
با تصویب هیئت دولت در روز ۲۲ تیرماه، یک استان جدید در شمال ایران تأسیس شد. این استان که سیلان نام دارد، شامل شهرهای پارس آباد، پیله سوار، گرمی، اردبیل، مشکین شهر سراب و خلخال می باشد و مرکز آن اردبیل خواهد بود. با تصویب این استان جدید، تعداد استانهای کشور به ۲۵ رسید. به گزارش روزنامه ها، بدنبال این مصوبه مردم اردبیل به خیابانها ریخته و خوشحالی خود را به نمایش نهادند. صدا و سیما مرکز اردبیل نیز برنامه های هادی خود را قطع کرد و به بخش سرودهای محلی پرداخت. در همین حال استاندار آذربایجان شرقی به این تصمیم اعتراض کرد و آنرا باعث تقسیم آذربایجان و کوچک کردن آن دانست.

هزاران واحد تولیدی در شرف نابودی هستند

ادعان داشت، البته گشایش بازار خارجی به سادگی امکان پذیر نیست. از سوی دیگر یکی از کارشناسان ارشد سازمان گسترش صنایع هشدار داد که سیاست وارداتی کنونی موجب انهدام منابع ملی و خشکاندن ریشه صنعت می شود. اظهارات فوق خوبی خطری که واحدهای تولیدی کشور را تهدید می کند، بر ملا می سازد، حذف نرخ های ترجیحی ارز برای تامین مواد اولیه و لوازم یدکی و نوسازی صنایع فرسوده، همراه با آزاد سازی ورود کالاها مشابه تولید داخلی، بسیاری از واحدهای کوچک و متوسط را در مرز ورشکستگی قرار داده است.

۳۰۰۰ مراقب برای جدانشینی زنان و مردان در اتوبوس

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران برای جدانشاندن زنان و مردان در اتوبوس های این شرکت، علاوه بر پرسنل هادی، ۳۰۰۰ مأمور مراقب ویژه استخدام کرده و به کار گماشته است. مدیر عامل شرکت واحد با اعلام این خبر افزود شعروندان تهرانی به رغم حضور این مأمورین و تذکرات داده شده، به مقررات مربوط به جدانشینی چندان توجهی نمی کنند و این مسئله به یک «معضل اجتماعی» بدل شده است. کل پرسنل شرکت واحد ۱۲ هزار نفر است، گماردن ۳۰۰۰ تن برای واداشتن زنان و مردان به جدا نشینی به معنای تخصیص ۲۵ درصد توان پرسنلی شرکت به این امر ارتجاهی است. مدیر شرکت واحد در حالی هزینه هنگفت این همه مراقبت را پرداخت می کند که مدام از می کند و در پاسخ به اعتراض مردم به گپیود اتوبوس، به آن استناد می کند. مدیر عامل شرکت واحد در مصاحبه مطبوعاتی همچنین خاطر نشان کرد در تهران ۳۰-۲۰ درصد مسافران از خرید و ارائه بلیط خودداری می کنند و به اصطلاح سیاه سوار می شوند.



گشایش نخستین خط هوایی خصوصی در ایران

نخستین خط هوایی بازربری خصوصی در ایران گشایش یافت. از آنجا که ماده ۴۴ قانون اساسی هر گونه فعالیت های هواپیمائی را منحصر به دولت کرده است، آغاز به کار این شرکت خصوصی هواپیمائی گام مهمی در پیشبرد سیاستهای دولت رفسنجانی محسوب میشود. پیش از این تأسیس خط هوایی «کیش ایر» که مستقل از دولت بود، باعث بروز جنجال گردیده بود. اکنون بر تفسیر ماده ۴۴ قانون اساسی گفته شده است که منظور آن حاکمیت دولت بر خطوط هوایی است نه مالیت آن! خط هوایی جدید تماماً از آن بخش خصوصی است و میان ایران و اروپا و آسیای جنوب شرقی بار حمل می کند. در همین رابطه هیات دولت

از میان رویدادها

واحدهای گشت فوق العاده برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر

۳۰ واحد گشت فوق العاده بامهرگیری از تجهیزات جدید با انواع جرائم در استان تهران مقابله خواهند کرد. نیروهای آموزش دیده در ورزش اسکی در فصل زمستان کلیه پیست ها را جهت مبارزه با مفاسد اجتماعی کنترل خواهند کرد. این مطلب توسط سرتیب علیاری فرمانده ناحیه انتظامی استان تهران در گردهمایی یک روزه فرماندهان مناطق و مسئولان انتظامی استان تهران اعلام گردید. روزنامه کیهان از قول فرمانده ناحیه انتظامی استان تهران نوشته است: چون وظیفه اصلی نیرو انتظامی حفظ نظم و امنیت و ایجاد آسایش و آرامش برای مردم است در این خصوص بحث مفصلی صورت

به هزینه دولت طلاب را به خارج می فرستند

«شورای عالی انقلاب فرهنگی» دولت را موظف کرد تمامی هزینه طلابی را که قصد تحصیل در خارج از کشور را دارند، تأمین کند. به همین منظور این شورا آئین نامه ای بنام «آئین نامه اعزام طلاب برای تحصیل در خارج از کشور» تصویب کرد. مطابق این آئین نامه طلابی که در حوزه ۲ سال درس خارج فقه را خوانده باشند به خارج اعزام می شوند. این دسته از طلاب لیسانس تلمی خواهند شد و در دوره های از لیسانس به بالا تحصیل خواهند کرد. آئین نامه مصوبه اخیر گامی

زنان اجازه اقامت تنها در هتل یافتند!

در طول مدت استقرار رژیم جمهوری اسلامی اقامت زنانی که بتنهائی مسافرت می کردند در هتلهای کشور ممنوع بود. زنان تنها در صورتی می توانستند در هتلی اقامت بیابند که مردی آنان را همراهی کند. در غیر اینصورت آنان موظف بودند پیش از مراجعه به هتل به «اداره نظارت بر امکان» شهربانی بروند و در آنجا دلایل و مدارک مربوطه ضرورت مسافرت انفرادی خود را عرضه نمایند. در صورت تأیید آن مدارک و دلایل، ورقه ای دال بر بلامانع بودن اقامت در هتل دریافت

اعتراض به شرکت جمهوری اسلامی در نمایشگاه کتاب در فنلاند

در اواسط اکتبر سال جاری نمایشگاه کتابی از طرف یک شرکت فنلاندی در شهر تورکو این کشور برگزار شد. در این نمایشگاه از جمله جمهوری اسلامی نیز شرکت داشت. جمعی از ایرانیان با حضور در محل نمایشگاه دست به اعتراض و انشاکری زدند. بر پلاکاردهای آنان از جمله نوشته شده بود: «رژیم اسلامی ایران را در زندان ها قتل عام کرد و ظرفیت تحمل

مهاجرت بر اثر فقر

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی تعداد زیادی از روستائیان مناطق شهرستان بویر احمدیه فلت فقر اقتصادی همراه با خانواده خود به روستاهای حومه یاسوج مهاجرت کرده اند. این خبرگزاری تعداد کوچندگان را فاش نساخت. مفتخ بخشدار مرکزی بویر احمد در گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن اعلان خبر فوق افزود: برخی از این روستائیان که با فروش دام و زمینهای کشاورزی خود به اطراف شهر یاسوج آمده اند به دلیل عدم تأمین هزینه زندگی، برای دریافت کمک به ادارات و نهادهای این شهر مراجعه می کنند و عده ای نیز مجبور به گدایی شده اند.

نرخ رسمی تورم ۲۵ درصد اعلام شد

گزارش رسمی نرخ تورم در مردادماه، از سوی بانک مرکزی اعلام گردید. مطابق این گزارش طی این ماه بهای کالا و خدمات نسبت به ماه قبل ۲/۴ درصد افزایش یافت. بهای کالاها در مردادماه نسبت به مردادماه سال گذشته ۲۱/۵ درصد افزایش یافت. در این گزارش همچنین آمده است در پنج ماهه اول سال جاری بهای کالاها و خدمات مصرفی ۲۴/۷ درصد نسبت به دوره مشابه در سال گذشته بالاتر رفته است.

محکومیت نماینده سابق مجلس

قرابنعلی صالح آبادی نماینده مشهد در دوره قبلی مجلس شورای اسلامی به ۲ سال زندان محکوم شده است. خبر دستگیری و محاکمه او در مطبوعات کشور منعکس نشده بود. صلح آبادی جزو نمایندگان جناح تندرو در دوره قبلی مجلس شورا بود. او مرتباً از جناح حاکم و سیاستهای دولت انتقاد میکرد. تندترین نطق او در رابطه با شورای عالی امنیت بود. صالح آبادی در نطق قبل از دستورش در روز ۲۵ فروردین ماه سال ۷۰ تصمیمات شورای عالی امنیت را زیر سؤال برد و گفت که این شورا در تصمیم گیری های مهم خود حتی نظر مشورتی مجلس شورا را هم جویا نمیشود. این سخنان با واکنش ائتلاف حاکم مواجه گشت. عطاءالله مهاجرانی که در آنزمان مشاور رفسنجانی بود در روزنامه اطلاعات مقاله ای علیه اظهارات صالح آبادی نوشت، بدنبال آن صالح آبادی به «دادسرای انقلابی مستقر در اوین» احضار شد و مورد بازجویی قرار گرفت. مدتی قبل نیز در پرسش و پاسخ دانشجویان با سردبیر روزنامه سلام معلوم شد که ابراهیم اصغرزاده سخنگوی دانشجویان خطامام در جریان اشغال سفارت امریکا توسط مقامات قضایی دستگیر شده است. ظاهراً اصغرزاده هم بخاطر اظهاراتی در دوره قبلی مجلس شورا بازداشت شد.

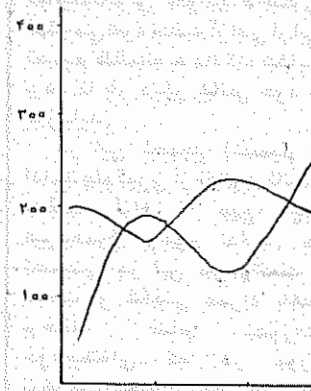
نکاتی چند در باره خودکشی

محمود

زندگی و مبارزه می‌کند هیچ‌گاه به فکر خودکشی نیست. اما هنگامی که مدتی از تحولات اجتماعی گذشت و بقول معروف آنها از آسباب افتادند، آنوقت است که زمان تنهایی فراخی رسد و با آن زمان فکر کردن منحنی زیر خوبی نشانگر رابطه تعداد خودکشی‌ها و تحولات سیاسی - اجتماعی که همراه آن تغییرات اساسی به زندگی انسانها وارد می‌شود است.

۳- خودکشی از نوع Anomism:

Anomism از هوارض دوران کاپیتالیسم است. انسان وارد زندگی اقتصادی شده است. افت و خیزهای اقتصادی بر جوامع و انسانها تأثیر می‌گذارد. انسان



مجبور است برای امرار معاش نیروی کار خود را بفروشد. بازدهی، راندمان، موفقیت، اینها لغاتی هستند که در این عصر رواج دارند. اما اگر بر اثر افت و خیزهای اقتصادی این لغات در زندگی یک انسان برضد خود تبدیل شوند آنوقت است که خطر خودکشی افزایش می‌یابد. این افت و خیزها پیوندهای اجتماعی را هم سست می‌کنند. زندگی اقتصادی انسان را در مقابل مسئله‌ای بنام "مجموعه وقت" قرار می‌دهد و روابط بین انسانها سطحی می‌شود. در زیر فشار زندگی انسانها مضامین مزاج میشوند و تحمل یکدیگر را ندارند. پول تنها عامل برای زندگی بهتر و نشانه موفقیت است. انسانها در این شرایط دچار سردرگمی می‌شوند و هیچ چیز، دیگر جوابگوی نیازهای آنان نیست و به هیچ چیز هم اعتقادی ندارند. اینجاست که خودکشی بعنوان تنها راه نجات از این سردرگمی خودنمایی می‌کند.

Anomism در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری رواج بسیار دارد و در ایران بخصوص در شهرهای بزرگ مشاهده میشود. بطور کلی باید گفت که در هر جامعه‌ای این سه جریان حضور دارند و اگر هر کدام دست بالا را بگیرند جامعه از توازن خارج می‌شود و تعداد خودکشی افزایش می‌یابد. سنجش میزان حضور این سه جریان در یک جامعه بعهده جامعه‌شناسان است و برقراری توازن در بین این سه جریان اجتماعی که ریشه در ساختارهای جامعه و اقتصاد دارد برعهده سیاست‌مداران و متخصصین اقتصادی است. بی‌شک می‌توان گفت که جامعه ایران دارای عدم توازن است. مذهب، سنت و سایر نرم‌های اجتماعی بیش از حد بر اهضای خود اعمال فشار می‌کنند، از سوی دیگر در شهرهای بزرگ عوامل یاد شده با Anomism در هم آمیخته و دوزخی کرده است. بنابراین جای شک و تردیدی نیست که خودکشی در ایران روبه افزایش گذاشته و باید برای آن قبل از آنکه ابعاد فاجعه‌انگیزی بخود بگیرد چاره‌ای اندیشید.

این روزها وقتی مطبوعات داخلی و خارجی را ورق می‌زنیم، اخبار چندسطری و کوتاهی را می‌بینیم که بازگوکننده خودکشی این یا آن ایرانی در اینجا و آنجا دنیا و به مقیاس بسیار وسیع‌تری در داخل کشور است. واقعیت اینجاست که جدا از خودکشی‌هایی که حامل روانی دارند و بیمار کنترلی بر رفتار خود ندارند عملاً تمام خودکشی‌ها را می‌توان به حساب جامعه گذاشت.

"خودکشی؟ نقطه پایان است اما باید پرسید از کجا شروع میشود و چرا؟ هرمرگی که مستقیم یا غیر مستقیم بر انجام یا انجام ندادن عملی برگردد که قربانی خود شروع کرده باشد و از نتیجه عمل خود آگاه باشد را می‌توان خودکشی نامید.

در بالا صحبت از خودکشی‌ها شد زیرا که عمل خودکشی عملی است منفرد، اما عوامل خودکشی متفاوت هستند و بنابراین باید این عوامل را شناخت و درصد جلوگیری از این عوامل برآمد.

۱- خودکشی نوع Egoistical:

برای اینکه این نوع خودکشی را بتوان توضیح داد باید اول به این مسئله توجه داشت که انسان از لحظه تولد در پروسه اجتماعی شدن قرار می‌گیرد. در این پروسه که از خانواده شروع (مرحله اول اجتماعی شدن) و در مدرسه و سربرازخانه و محل کار و غیره ادامه می‌یابد انسان شکل می‌گیرد و رفتارهای اجتماعی به او آموخته می‌شود که به آن می‌توان "شخصیت اجتماعی" نام داد. اما انسان دارای "شخصیت فردی" نیز هست. برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که "شخصیت اجتماعی" بسیار توی تر از "شخصیت فردی" است. به همین دلیل است هنگامی که نهادها و پیوندهای اجتماعی و گروهی سست می‌شوند، "شخصیت فردی" بیش از پیش قدرت می‌گیرد و جامعه مفهوم خود را از دست می‌دهد. اما از آنجایی که انسان بدون جامعه و بطور مجرد معنوی ندارد و از جانب دیگر جامعه برای این فرد مفهوم خود را از دست داده است، در نهایت امر فرد به پوچی مفهوم "زندگی" می‌رسد و اقدام به خودکشی می‌نماید. بخش اعظم خودکشی ایرانیان در خارج از کشور ناشی از دور شدن از اجتماعی است که پروسه اجتماعی شدن آنها در آن صورت گرفته و از طرف دیگر این افراد امکان و یا آمادگی اقدام در جامعه جدید را ندارند و یا اینکه در خارج از کشور از جامعه خود قطع امید می‌کنند و از طرف دیگر همانطور که گفته شد در جامعه جدید هم امکان اقدام را نیافته‌اند و زندگی برای اینگونه افراد تبدیل به زندگی می‌گردد که تنها راه نجات از آن خودکشی است.

ممکن است این سؤال پیش بیاید که چگونه این پدیده بطور ناگهانی بروز می‌کند و ارتقام این گونه خودکشی بطور سرسام آوری بالا رفته است؟ همانطور که گفته شد انسان نه تنها موجود اجتماعی است بلکه موجودی است که در شرایط سخت و طاقت فرسا مبارزه جویم است. به همین دلیل هم در شرایطی که انسان در گروه و یا در جامعه

مورد دیگر آن در زمان جنگ مشاهده شد که داوطلبان بسیجی را ساعتها قبل از شروع عملیات جنگی باروخته خوانی و هزارداری آماده پذیرفتن مرگ می‌کردند. در واقع این جامعه بود که از اهضای خود می‌خواست خودکشی نمایند و آنها هم داوطلبانه بر روی

یادداشت اقتصادی - اجتماعی

واردات بی‌رویه به صنایع داخلی آسیب می‌زند

بخش بزرگتری از فعالیت‌های تولیدی جامعه را متوقف یا دچار رکود کند.

سیاست توسعه واردات را نمی‌توان محرک کافی برای ارتقای سطح کیفیت تولیدات و بهبود روش‌های مدیریت تلقی کرد، بلکه کهنگی شدید سیستم‌های تولیدی و فرسودگی ماشین‌آلات در بسیاری از کارخانجات را باید از طریق سرمایه‌گذاری اصلاح نمود. بدون سرمایه‌گذاری، بهبود سیستم مدیریت، آموزش نیروهای متخصص مورد نیاز صنایع، چشم دوختن به هر معجزه‌ای بی‌فایده خواهد بود و نتیجه‌ای نخواهد داشت مگر تعطیل شدن تدریجی کارخانجات، افت محسوس میزان تولیدات و افزایش بیکاری.

در همین حال دولت دست‌تجار بزرگ را در وارد کردن کالا تا حدود زیادی بازگذاشته است. برای تاجر فارتگر مسئله حمایت از صنایع داخلی و مسئله ورشکستگی و کاهش تولیدات کارخانجات مطرح نیست. آنها همواره نقش مخربی را در رابطه با صنایع بازی کرده‌اند. تاجر بزرگ از سرمایه‌گذاری در هر صده تولید اجتناب می‌کنند و با وارد کردن کالا بیش از پیش جیب‌های خود را پر می‌کنند.

واردات ۲۸ میلیارد دلاری نه تنها نتوانسته از حدت بحران اقتصادی کشور بکاهد، بلکه در مواردی موجب تشدید تنگناهای اقتصادی از جمله کمبود ذخیره ارزی کشور شده است. منطقی و اصولی آنست که واردات کشور به افزایش تولیدات داخلی، نوسازی صنایع، جذب تکنولوژی پیشرفته، رشد مهارت‌ها و ایجاد صنایع پایهای منجر گردد، نه اینکه موجب رکود در تولید شده و یا نیاز بخش کوچکی از جامعه را که در سال‌های اخیر به ثروت‌های کلانی دست یافته‌اند، تامین کند.

در مطبوعات و در محافل اقتصادی کشور پیدا کرده است. اخیراً سمیناری نیز با عنوان "دفاع از تولید ملی" در تهران برگزار گردید. ابوالقاسم سرحدی‌زاده دبیر این سمینار و وزیر کار سابق اظهار داشت: "شمار دولت آقای رئیسانی در ابتدا "دولت کار و تولید" بود ولی در زمینه آزادسازی تجاری، راهی که در پیش گرفته‌اند و سیاست‌هایی که اتخاذ می‌شود با آن هدنی که دولت در ابتدا در پیش گرفته بود مغایرت دارد" (روزنامه سلام ۹ مهر). به گفته وی گشودن مرزهای کشور به روی واردات خارجی پیامدهای ناگوار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت. به اعتراف سرحدی‌زاده در حالی که "سازمان برنامه و بودجه کشور از بهبود اوضاع اقتصادی سخن می‌گوید، ولی بیکاری، توقف و تعطیلی بنگاه‌های تولیدی در کشور هکس آن را نشان می‌دهد"

(همانجا)

ظواهر واردات بعضی از اقلام در رابطه با شکستن قیمت‌ها و ایجاد رقابت است تا نظر تولیدکنندگان داخلی به کیفیت تولیدات جلب شود و مدیران واحدهای تولیدی برای بالا بردن قدرت رقابت با کالاهای خارجی بر تلاش‌هایشان بیفزایند. گرچه نمی‌توان واردات کالاها را به عنوان ایجاد محرک در ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی نفی کرد ولی در شرایط کنونی واردات بی‌رویه به تضعیف صنایع داخلی منجر شده است. عدم کفش بازار به دلیل ضعف قدرت مردم و گران‌ی نسبی تولیدات داخلی نسبت به اجناس مشابه خارجی، هرصه چشمگیر و فراوان کالاهای خارجی مجموعاً موجب شده است که محصولات صنایع داخلی در داخل کشور منزوی شده و به تدریج بازار بدست اجناس خارجی سپرده شود. تداوم این وضع می‌تواند

واردات کشور در سال ۱۳۷۰ به مبلغ بی‌سابقه ۲۸ میلیارد دلار رسید. این واردات عظیم برای تولیدات داخل کشور مسائل و مشکلات فراوانی آفریده و موجب توقف فعالیت بعضی کارخانجات و کاهش تولیدات برخی دیگر شده است:

• شرکت پتروشیمی فارابی پس از چند ماه دست و پنجه نرم کردن با مشکل فروش محصولات خود، سرانجام مجبور به تعطیل فعالیت‌هایش گردید. علت آن به فروش نرفتن محصولات این شرکت و بالا بودن قیمت تولیدات آن نسبت به کالاهای وارداتی بود.

• واردات بی‌رویه پمپ‌های "سیرکولاتور" از خارج باعث رکود در صنایع پمپ‌سازی ایران بویژه صنایع پمپ سیمان شده است.

• مدیر فروش شرکت هیکو در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی واردات ماشین‌آلات راهسازی از سوی شرکت‌های آمریکایی کاترپیلار و کوماتسو سبب پایین آمدن میزان فروش اعلام شده است.

• وضع منسوجات و یکسری کالاهای دیگر نیز بر همین منوال است

تجار و دلان در مقطع برداشت محصول برنج اقدام به وارد کردن و توزیع برنج خارجی می‌کنند و قیمت برنج داخلی را به حد نازلتری می‌رسانند. کشاورزان به خاطر نیاز به پول و نداشتن امکانات نگهداری و نیز فقدان یک تعاونی برای فروش محصولات خود، ناگزیر برنج تولیدی خود را به دلان و واسطه‌گران می‌فروشند. آنها برنج را با قیمت نازل خریده و در فرصت مناسب به قیمت بالا می‌فروشند. امسال همین وضع تکرار شد.

مسئله واردات بی‌رویه، رکود در تولید و تعطیل برخی واحدهای تولیدی بازتاب وسیعی در مردم ۵۳ ساله در اعتراض به بسته شدن مغازه‌ها توسط شهرداری خودکشی کرد. او در وضیت‌نامه‌اش علت خودکشی خود را پلمپ مغازه، نداشتن بنیه مالی و اختلافات خانوادگی ذکر کرد.

ماهورین شهرداری چرخ‌دستی یک میوه‌فروش را به بجان سدمبر مصادره کردند. میوه‌فروشی که یگانه وسیله معاش او به فارت رفته بود، از سر استیصال خود را آتش زد و بر اثر جراحت‌های وارده درگذشت. یک کارمند اداره پست مدتی قبل پس از عدم موافقت مسئولین او در اعطای وام، با پرتاب از طبقه ششم اداره خود را کشت.

مؤرد بالا تنها نمونه‌هایی است که اخیراً در مطبوعات کشور منعکس شده است. حکومت اسلامی مطبوعات را از بازتاب خودکشی‌ها منع می‌کند و به همین خاطر خبر معدودی از خودکشی‌ها در روزنامه‌ها درج می‌شود. تنها اخیراً روزنامه ابرار در گزارشی به این مسئله اشاره کرده و روزنامه سلام نیز در ستون "یادداشت" آمار از خودکشی‌ها در استان ایلام ارائه داده است.

بنوشته روزنامه سلام استان

افزایش خودکشی‌ها

می‌آورد. تشدید فقر در بین اقشار کم‌درآمد و رشد مشکلات اقتصادی به عامل مهمی در تشدید روحیه پابین و ناامیدی و بالنتیجه خودکشی تبدیل شده است. از مواردی که در روزنامه‌ها منعکس می‌شود، این مسئله را به خوبی می‌توان مشاهده کرد.

خودکشی یکی از شاخص‌های مهم در سنجش ناسامانی‌ها و فشارهای اجتماعی است. رشد روزافزون خودکشی در کشورمان نشان می‌دهد که جامعه‌سنج مادر چه حرارت را در نقطه حساسی نشان می‌دهد و تداوم این وضع می‌تواند به فاجعه‌های بیشتر منجر گردد.

مسئولین کشور در این مورد نیز می‌کوشند و اقصیت‌ها را کتمان کنند. آنها نمی‌گذارند که اخبار خودکشی‌ها در مطبوعات منعکس شود. بهانه آنها این است که درج اینگونه اخبار منجر به خودکشی بیشتر می‌شود. اما با پوشاندن واقعیت‌ها و عدم طرح مشکلات هم نمی‌توان آنها را حل کرد. این مسائل نیازمند طرح، بررسی و تحقیق می‌باشند تا به‌طور دقیق‌تر معلوم شود که زمینه‌ها و عوامل خودکشی چیست و چگونه باید با این معضل اجتماعی برخورد کرد.

کیهان، چماق قشریون

بهنام

روزنامه کیهان نقش چماق نیروهای قشری را در بین مطبوعات کشور بعهده گرفته است. گردانندگان این روزنامه مترصد آنند که در این یا آن گوشه کشور از جمله در برنامه‌های صدا و سیما، روزنامه یا نشریه‌ای کسی پای خود را فراتر از دایره تنگی که آنها برای فعالیت دیگران قائل هستند، بیرون بگذارد تا چماق خود را بر فرق فرد حمالا کار آورد. آنها حتی مطبوعات وابسته به نیروهای جمهوری اسلامی را بی نصیب نمی‌گذارند و بشیوه رژیمانه با آنها برخورد می‌کنند.

اخیرا کیهان هوایی نسخه خارج از کشوری کیهان مطلبی با عنوان "سلام" بر اهالی بخیه! سردبیر روزنامه سلام را به سخره گرفته و او را بعنوان "اهل بخیه" نامیده است. در یکی از نشریات آگهی تسلیتی با نام عده‌ای از نویسندگان کشور (مجابی، مسعود بهنود و...) چاپ شده که در آن اسمی مشابه اسم سردبیر هم بوده است. کیهان هوایی با دیدن این نام از هول گلیم توی دیگ افتاده و بلافاصله با زبان هجو به عباس هدی تاخته است. روزنامه کیهان نیز این هجو نامه را از ممتای خود نقل کرده است. اما بعد از چاپ معلوم شده است که این فرد، سردبیر روزنامه سلام نبوده و تنها مشابهت اسمی با آن داشته است.

برخورد کیهان با نشریات مستقل از این گونه برخوردها فراتر رفته و شکل خشن و تهاجمی به خود گرفته است. کیهان علاوه بر درج مطالب افشاگرانه در مورد این نشریات، در مواقعی نیز حزب الهی را تحریک می‌کند تا

بدفاتر آنها هجوم ببرد و یا اینکه از حملات حزب الهی‌ها شدیداً دفاع می‌کند. کارنامه کیهان در زمینه مسائل فرهنگی سیاه است. این روزنامه از دو سال پیش پرچم دشمنی با نویسندگان و هنرمندان غیر وابسته را برداشته و با بدترین شیوه‌ها به آنها می‌تازد. کیهان و کیهان هوایی دست در دست یکدیگر برای فرهنگ‌سازان غیر وابسته به رژیم اسلامی پرونده اجنبیتی می‌کنند. گردانندگان آنها معتقدند که دشمن در عرصه سیاسی و اقتصادی نتوانسته است جمهوری اسلامی را به شکست بکشاند، لذا اکنون از کانال مسائل فرهنگی وارد شده است. به نظر آنها فعالیت روشنفکران غیر وابسته در عرصه فرهنگی عمده‌ترین خطر در این زمینه بحساب می‌آید. آنها دشمن حکومت را در وجود نویسندگان و هنرمندان مستقل یافته‌اند و از کار بست هر شیوه ناروا و ضد انسانی برای کوبیدن آنها دریغ نمی‌ورزند.

می‌تازند. و جالب اینکه به وزارت ارشاد اسلامی فشار وارد می‌آورند که ممیزی کتاب را دایر کند و در نشریات مستقل را ببندد. وزیر ارشاد از آزادی مطبوعات دفاع می‌کند و کیهان از سانسور! می‌تازد. برخورد کیهان با مطبوعات کشور را آلوده کرده و بر روند آزادی بیان تأثیرات مخرب می‌گذارد و بی‌قانونی، هياهو و فوق‌العاده‌ی رادر کشور دامن می‌زند.

این روزنامه در همین حال با تشکل نویسندگان، هنرمندان و خبرنگاران بمخالفت برمی‌خیزد. و هر تشکلی که می‌خواهد پا بگیرد با حملات زهر آگین آن روبرو می‌شود.

کیهان و عناصری نظیر جنتی بسمیل قشری‌گری، تحجر و سرکوبگری در کشور تبدیل شده اند و موانع جدی در روند آزادی بیان و مطبوعات و تقویت گرایشهای عقلی و خردگرایانه بوجود می‌آورند. باید نقش مخرب آنها را در فضای سیاسی و فرهنگی کشور افشا کرد.

سر نوشت یک سیاست

ف. تابان

کمیسیون ماده ۱۰ وزارت کشور، پس از آنکه ۵ سال نمضت آزادی ایران را در انتظار فعالیت‌های قانونی باقی‌گذارد، از طریق یک مقام مسئول خود اعلام کرد که: "تقاضای مسئولان نمضت آزادی مورد موافقت قرار نگرفته است و بدین ترتیب از این پس (!؟) نمضت آزادی اجازه فعالیت قانونی نخواهد داشت." گفته می‌شود نمضت آزادی از این تصمیم ظالمانه به دادگاه شکایت برده تا بار دیگر شانس خود را بیازماید.

در این تصمیم (تصمیم به ادامه جلوگیری از فعالیت قانونی نمضت آزادی) هیچ چیز غیرمعمول وجود ندارد. هر تصمیمی جز این می‌توانست با تعجب و شگفتی همراه باشد. برخلاف تمام تصورات خودبینانه‌ای که در مورد پیشرفت اصلاحات رفسنجانی، پس از مجلس چهارم و کنار زدن تندروهای خط امامی در میان پاره‌ای از گروه‌ها و افراد اپوزیسیون وجود داشت، سیر رویدادها در چند ماهه گذشته تماما در جهتی عکس عمل کرد. رفسنجانی و متحدین وی پس از تمضه مجلس و بدست گرفتن تقریباً تمامی قدرت، نه تنها هیچ گامی به سود اصلاحات مورد انتظار برنداشتند، بلکه هر چه کردند علیه منافع مردم و کل جامعه، تشدید فشارها و اختناق سیاسی و فقر و فاقه عمومی بود. روحانیون و حزب اله گوش به فرمان آنها، با قدرت و جدیت بیشتری میدان را در اختیار گرفتند. رفتارهای اجتماعی اندک تعدیل شده با مردم یک شبه به سیاق خشونت‌بار گذشته بازگشت، پاسداران و ماموران سرکوبگر با تساوتی بیشتر به جان مردم افتادند و دستاوردهای فرهنگی مورد یورش شدید قرار گرفت. رفسنجانی در برابر همه این فشارهای تازه‌ای که بر جامعه

وارد آمد، نه تنها بازو در بازوی روحانیون سنتی باقی ماند، بلکه یکبار نیز در مخالفت با آنها سختی نگفت و همه هم وغم خود را متوجه پیشبرد برنامه اقتصادی کرد که اکنون کار را به شورش گرسنگان کشانده است. محرومیت نمضت آزادی، یعنی نرم‌ترین جریان مخالف حکومت که همواره به جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن متعهد بوده است. از فعالیت قانونی، ادامه همین روند تحکیم استبداد است. برخلاف برخی نظرهای فشار مردم رژیم را وادار به عقب‌نشینی و میدان دادن به معتدلترین مخالفین خود، حتی به منزله سوپاپ اطمینان، نکرده است، بلکه وحشت آن از هر فعالیت مخالفی را بیشتر کرده است و وضعیت جامعه چنان است و مردم از سیاست‌های رژیم به حدی سرخورده و به جان آمده‌اند، که هر جریان مخالف با حاکمیت کنونی، در صورت اجازه فعالیت آزادانه می‌تواند بسرعت پایگاه قابل توجه توده‌ای به دست آورده و موجودیت رژیم را با خطرات تازه‌ای مواجه سازد. آیارانده شدن نمضت آزادی به سمت فعالیت‌های غیرقانونی می‌تواند نیروهای مارا در راهی از مضمی توهم آمیز استحاله و فرم از بالا یاری رساند؟ مشی که بادل بستن به اقدامات رفسنجانی به چنان درجه‌ای از خوشبختی رسید که قانونیت و فعالیت قانونی را به دگمی آسمانی بدل کرد و با نرم‌تر کردن مداوم سیاست‌های خود به کوششی بی‌سرانجام برای یافتن راهی در دیوار ضمیم و تصور استبداد دست زد؟ نمضت آزادی ایران به عنوان سمبل و انتهای این سیاست، علیه رقم همه برداری و خویشتن‌داری سرانجام به آن محکوم شد که اگر می‌خواهد به حق خود برای فعالیت قانونی متعهد بماند، باید به جاده فعالیت‌های غیرقانونی

رومی آورد. اما ناخبردانه خواهد بود اگر از نهضت آزادی چنین توقع داشت، سرشت این جریان و اهداف و شیوه‌های مبارزه‌ای که بر پایه آن این نهضت پدید آمد، باره و روشی رادیکال ناسازگار است. این سازمان روش‌های خود را در مبارزه به خاطر تحقق دموکراسی داشته و دارد و با وضعیت جدید نیز تطبیق خواهد شد و سهم خود را نیز در پیشبرد مبارزه ایفا خواهد کرد. سخن این مقاله با کسان دیگری است. با کسانی از درون و بیرون چپ که کوشیده‌اند و می‌کوشند تا چپ ایران را با نتیجه جامعه ایران را نیز از رادیکالیسم تهی کرده و به یک حزب معتدل و نرم بدل سازند. این تلاش، شعار و وعده کنار گذاشتن رادیکالیسم در ازای کسب حق فعالیت قانونی زینت داده شده است. اما تجربه یکبار دیگر نشان داد که دست شستن از رادیکالیسم به معنای دریافت جواز فعالیت قانونی و آزاده نیست و در چنان‌انداز آتی نیز نخواهد بود و بالعکس اگر راهی به سوی یک فعالیت قانونی در چهارچوب رژیم کنونی وجود داشته باشد، تنها به نیروی یک جنبش توده‌ای با خواست‌هایی رادیکال ممکن خواهد بود. چپ در این مقاله بسیاری چیزها را از دست خواهد داد و چیزی بدست نخواهد آورد. بسیاری هادت کرده‌اند که ادامه موجودیت رژیم اسلامی را دلیلی بر نادرستی سیاست‌هایی بدانند که به نوعی خواهان برکناری رژیم هستند، اما آیا ۳ دهه فعالیت نهضت آزادی در راه کسب فعالیت مجاز و قانونی، که جز در دوره کوتاهی به برکت وجود انقلاب، بی‌سرانجام ماند، دلیلی بر نادرستی این سیاست در جامعه استبداد زده مانیست؟

دولت تصمیم خود را گرفته است، اما...

علی اکبر قنبری

دولت در زمینه اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی تصمیم قطعی و جدی را اتخاذ کرده است و در حال حاضر گفتگو در زمینه نحوه اجرا آن می‌باشد. این مطلب سرآغاز سخنان عیسی کلانتری وزیر کشاورزی در سمیناری در کرج بود. آقای وزیر همچنین گفتند: چنانچه سیاستهای تعدیل اقتصادی با یک روز تاخیر انجام شود با عوارض بسیار شدیدی روبرو خواهیم شد.

خبرهای دیگری نیز در روزنامه‌های تهران انتشار یافته که حکایت از این "تصمیم قطعی و جدی" دولت دارد. از جمله یکسان سازی نرخ ارز و سفر هیات‌های از بانک جهانی به تهران که در ارتباط همین سیاست تعدیل اقتصادی دولت و پیامدهای آن

افزایش باز هم بیشتر بهای کالاها و خدمات مورد مصرف مردم - که این بار شامل آب و نان و برق و گاز نیز خواهد شد - تنشهای اجتماعی و اعتراضات مردمی را پیش از این افزایش خواهد داد؛ اما برای تضایق در باره سرانجام برنامه دولت نه نیازی به انگشت گذاشتن روی انفجاری بودن اوضاع در میان مردم بجان آمده از فشار فقر و ننگدستی هست و نه لازم است بگوئیم که چماق سرکوب دولت تا چه میزان در اینجا کار ساز خواهد بود. بدون این عامل مهم و تعیین کننده نیز هاقبت خیری در انتظار برنامه دولت نیست.

یک قیاس مختصر میان شرایط و وضع کشوری نظیر چین که در این سالها اصلاحات ساختاری هم مورد نهایت مقامات دولتی جمهوری اسلامی است، با وضع شرایط جمهوری اسلامی تحت حاکمیت روحانیون، نشان میدهد که تفاوت از زمین تا آسمان است و دولت جمهوری اسلامی با وضع و مختصاتی که دارد دهها سال هم نتواند به یک هزارم نتایجی که چینی‌ها بدان دست یافته‌اند، نخواهد رسید.

کشور چین در شرایطی آغاز به اصلاحات کرد و توانست گامهایی در بهبود وضع اقتصادش به پیش بردارد که تقریباً همه قوای مادی و معنوی کشور در خدمت این اصلاحات بود. توان اولیه علمی فنی داخلی، هزم ملی مردم چین و همزمان اقدام به سالم سازی مناسبات با خارج و استفاده از امکانات بین‌المللی پشتوانه اصلاحات در داخل چین بود. از همه مهمتر دولتمردانی در چین در راس امور بودند و مستند که نوع نگاه و تلقی آنها از جامعه و جهان، سیاست و اقتصاد و فرهنگ، میزان زیادی با واقعیات جامعه خودشان و جهان امروز تطابق داشت. یا حداقل با شروع به اصلاحات در تغییر و اصلاح آن پیگیرانه کوشیدند.

اما در جمهوری اسلامی یاد در حقیقت در کشور بلازده ما اوضاع بکلی چیز دیگری است و همانطور که گفته شد تفاوت با چین از زمین تا آسمان است. اشتقاق ملی‌ای که در اثر ۱۴ سال سلطه استبدادی و خونین روحانیت در کشور ما بوجود پیوسته در کمتر کشوری دیده شده است. بخش عظیمی از سرمایه فکری و تخصصی ایران که

حاصل زحمات دوسه دهه مردم و کشور ما بوده به خارج پناه برده و از دسترس کشور خارج است. میان مردم و حکومت شکاف عمیقی بوجود آمده و حکومت و سیاستها و برنامه‌هایش فاقد پشتوانه ملی و مردمی است. صحبت از تفاهم ملی در کشور ما محلی از اعراب ندارد. قدرت حاکمه در کشور ما همانطور که در طول حکومت ۱۴ ساله‌اش با مردم خود سر ستیز داشته و با دافع و درفش با آنها سخن گفته، در روابطش با دنیای خارج نیز ستیزه‌جویی و دشمن‌تراشی کرده است. علاوه بر اینها کسانیکه بر کشور ما حکومت می‌کنند که نه فکر و نه ایدال‌هایشان و نه طرز حکومت کردنشان با مصالح و نیازمندی‌های جامعه ما و مقتضیات زمان سازگار نیست.

حکومت می‌خواهد همزمان هم ویرانه‌های جنگ را باز سازی کند، هم اقتصاد درهم شکسته کشور را احیاء نماید و هم سودای پیش‌براندن کشور در جاده "توسعه" را دارد. اما برای این کارها نه مردم را دارد (حالا بستوه آمدن و همیان مردم بکنار)، نه متخصصان و متفکران کشور را، نه سرمایه و تکنولوژی لازم را دارد، دولت امیدوار بود.

نه امکان جلب یاری و مساعدت بین‌المللی و نه دارای آن قصد و اراده است که خود را و ساز و کار حکومتش را اصلاح کند. بنظر میرسد برخی دولتمردان رژیم از نمونه نظیر چین تنها این را گرفته‌اند که در آنجا فضای سیاسی را شدت بسته و در اقتصاد به پیش تاخته‌اند. بهمین سادگی، بقرض هم‌راهی که چینی‌ها رفته‌اند و یا می‌روند مطابق بر مقتضیات آن کشور و صحیح باشد، درست بنا به همین تجربه، کشور ما برای بازسازی و گام گذاشتن در راه توسعه قبل از هر چیز باید راه جلب اعتماد مردم، احیاء تفاهم ملی، جلب اعتماد سرمایه‌های مادی، فنی و علمی و تخصصی کشور و سالم سازی مناسباتش با دنیای خارج را در پیش بگیرد. چنین چیزی ممکن نیست مگر تغییر فکر و ساز و کار حکومت (مداری و باز کردن فضای سیاسی) درست برخلاف چین) از سوی حکومت‌گران. بهمان اندازه که امکان چنین تغییری در حکومت‌هست بهمان میزان نیز میتوان به آینده اصلاحات و برنامه تعدیل اقتصادی دولت امیدوار بود.

نخست باید نه گفتن را فر ا گرفت



فر ا «دشوار» و یا با اندکی تسامح «زبده» نامید، دست و پنجه نرم کنند. از هنگام رواج چاپ کتاب تاکنون مناسبات میان نویسندگان و ناشران حساس و ضروری بوده است.

برقم کساکشهای پایان ناپذیر میان این دو گروه، هیچکدام بدون دیگری قادر به فعالیت نیست. آنچه بر انتشار کتاب ناظر و حاکم است، چیزی جز منطق بازار نیست و من اضافه میکنم که این منطق را نمیتوان به سادگی در باره روند پیچیده و دشوار نوشتن، انتشار و توزیع و خواندن کتاب به کار گرفت. گرچه ادبیات در قبال قوانین بازار تنها میتواند بی تفاوت باشد، اما این بی تفاوتی پیوسته به تنش و کشاکش راه برده، کشاکشی که اینک جزئی از تاریخ ادبیات سده بیستم به شمار می آید.

منطق بازار ناشر را به سوی انزایش انتشارات و در عین حال یکنواخت و همسان سازی درونمایه آنها سوق می دهد. در چنین وضعیتی کمال مطلوب ناشر انتشار بالاترین تیراژ از کتابی است که ضمن تازگی درونمایه‌های همسان کتابهای قبلی داشته باشد. در واقع کلام ناگفته مشتری چنین است: کتاب به رهم تازگی باید تنها در ظاهر با آثار پیشین متفاوت باشد. بدین ترتیب هر کتاب جدیدی باید تنها بر ذوق و سلیقه و مد رایج روز مهر تأیید بخورد. گفتن ندارد که این نوع بدهت و تازگی ناقد هرگونه خطری است، چرا که در نداشتن را کشیده و حنجره اش را بریده اند.

در چنین وضعیتی آنچه که بنظر میتواند کار ساز و موثر باشد، همانا تأکید بر چند گونگی و کثرت سلیقه و گرایش هاست، و یاب بیان فنی بازار را باید تنوع و گسترش بخشید. به دیگر سخن نویسنده تنها باید در آمد خوبی داشته باشد، بلکه باید ادبیات را نیز از خطر جمود و ماندن مصون بخورد. باید وجود اقلیتی (ادبی) را به رسمیت شناخت و آنها را تشویق

تفاوت گذارند و به رهم مخالفت احتمالی جمهوری اسلامی با چنین خط و مرزی، زمینه های شرکت ناشران و نویسندگان هیر دولتی در این نمایشگاه را از بار باره فراهم کنند. در این صورت هم نمایشگاه از هدف خود مبنی بر زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی دور نخواهد افتاد و هم ادبیات ایران مجال طرح در گستره بین المللی را خواهد یافت. محور اصلی کار نمایشگاه امسال فرانکفورت معرفی و شناساندن ادبیات آمریکای لاتین بود. در همین راستا اکثر نویسندگان سرشناس آمریکای لاتین نیز در نمایشگاه حضور داشتند و اکتایویاز، برنده جایزه نوبل ادبی دو سال پیش، سخنرانی افتتاحیه نمایشگاه را ایراد نمود که برگردان آن از نظر خوانندگان گرمی میگذرد.

وضعیت نابینا ادبیات معاصر بر کسی پوشیده نیست. عدم استفاده من از واژه «انحصاط» بجای «وضعیت نابینا» از این باور ناشی میشود که ادبیات در لحظه کنونی فاقد قدرت است. یافتن هیل این وضعیت کار آسانی نیست اما میتوان گفت اینجا همان هلی هستند که تمدن ما از این سده خاکستری فلج ساخته اند. ما اینک در حال یک مکث و درنگ تاریخی هستیم. من میخوامم به پاره ای از نشانه های رنجی که گریبانگر ماست، اشاره کنم.

هر روز ما گزارشها، مقالات و خبرهایی در باره یک واقعت تکان دهنده میخوانیم: گسترش آموزش و تحدید بيسوادی در میان مردم از یکسو و کاهش هلاکت به مطالعه از سوی دیگر. این بی هلاکتی که گاه تا مرز دشمنی با مطالعه پیش میروند، بیش از همه گریبان آموخته که به قلم ادبیات جدی نامیده میشود را میگذرد، گوئی آثار آریستو فانز، بوکاسیو و ابله، سر اوتس و یاسوینت خشک و جدی هستند!؟ همچنین ما اغلب نظرها و داوریهایی در باره محو و یا نابودی برخی از گونه های آفرینش هنری میشوندیم. این حرف یک روز در باره رمان، روزی در باره داستان و روز دیگر در مورد

تفاوت گذارند و به رهم مخالفت احتمالی جمهوری اسلامی با چنین خط و مرزی، زمینه های شرکت ناشران و نویسندگان هیر دولتی در این نمایشگاه را از بار باره فراهم کنند. در این صورت هم نمایشگاه از هدف خود مبنی بر زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی دور نخواهد افتاد و هم ادبیات ایران مجال طرح در گستره بین المللی را خواهد یافت. محور اصلی کار نمایشگاه امسال فرانکفورت معرفی و شناساندن ادبیات آمریکای لاتین بود. در همین راستا اکثر نویسندگان سرشناس آمریکای لاتین نیز در نمایشگاه حضور داشتند و اکتایویاز، برنده جایزه نوبل ادبی دو سال پیش، سخنرانی افتتاحیه نمایشگاه را ایراد نمود که برگردان آن از نظر خوانندگان گرمی میگذرد.

یاشگاه بین المللی انکفورت در اوایل اکتبر بر گزار دید. امسال نیز از ایران هیچ مری نتوانست در این نمایشگاه یکت کند. هیئت مدیره آیشگاه ایران را از چهار سال ش به سبب صدور فتوای قتل همان رشدی از سوی خمینی بریم کرده است. سال پیش که روصدا در مورد اعتدال در یاست های رژیم اسلامی و مشی ملاح طلبانه رفسنجانی بالا گرفته د، هیئت مدیره نمایشگاه منوهیت شرکت ایران را لغو د. بلافاصله پس از این تصمیم خی از نویسندگان سرشناس مچون گونترگراس و نیز چند شر بزرگ اعلام نمودند که به نوان اعتراض به حضور جمهوری سلامی در این نمایشگاه از شرکت ر آن خودداری خواهند کرد. در ی این اعتراضات هیئت مدیره صمیم خود را پس گرفت و ایران واره از شرکت در نمایشگاه حروم شد. هم اینک در میان وشنگران و اهل کتاب اروپا وگرایش به چشم میخورد. یک رایش که سلمان رشدی را نیز رب میگردد بر آن است که اشرا ن ایرانی همه دولتی نیستند. کتابهایی که از سوی آنها انتشار ی یابند باید امکان عرضه در ستره بین المللی را بیابند. علاوه ر آن خود حضور جمهوری سلامی در این نمایشگاه نیز محملی است برای بحث و گفتگو با مقامات این کشور و زیر فشار گذاشتن آنها برای لغو فتوای خمینی، گروهی دیگر اما بر این باورند که لغو محرومیت ایران امتیاز به جمهوری اسلامی و بمنزله کاهش فشار بر آن است. اینان معتقدند که منزوی کردن رژیم در هر صه فرهنگی برای لغو فتوای خمینی کارایی بیشتری دارد. راست این است که محرومیت ایران از حضور در این نمایشگاه بزرگ بین المللی گرچه رژیم راحت فشار قرا میگذرد، اما از سویی راه را بر ازانده و هر صه ادبیات غیر رسمی و پیشرو ایران نیز می بندد و امکان طرح آن در گستره بین المللی را محدود میسازد. شاید بهتر آن باشد که دست اندر کاران نمایشگاه میان ناشران دولتی و غیر دولتی

مربوط میشود. ما باید دوباره به سنت ادبیات سرگ قرن بیستم روی آوریم، نه برای تکرار آن بلکه برای ادامه دادن و دگرگون ساختنش. منظور من تقلید از درونمایه ها و سبک های پیشگامان بلاواستنه ما نیست، آخر کاری را که خوب انجام شده، چرا و به چه منظور باید دوباره تکرار کرد؟ منظور آن است که آن تکانه و انگیزه آغازین آنها را از آن خود کنیم. آثار این پیشگامان نه متعارف و همخوان با روندها و سبک های رایج، بلکه برعکس انتقادی، بی محابا، تهاجمی و اغلب پیچیده و دشوار بوده است. کلاسیکهای معاصر نه به مدح و ستایش ذوق و سلیقه رایج پرداخته و نه ملاحظه پیش داوریها و معیارهای اخلاقی خواننده را نموده اند. آنها کوشیده اند به جای آرامش بخشیدن به خواننده، وی را بی قرار و برانگیخته سازند. این ادبیات را نویسنده گانی آفریده اند که نه از انزوا و تبعای بیم داشته اند و نه با زبان آویزان بسان سگان گرسنه بدنبال العله موفقیات روان شده اند. برای آنها نوشتن همچون ماجراجویی در ژرفای ناشناخته ها و فوایدی در قصر زبان بوده است. کوششان آنها آموزشی است از تواناییهای استادانه، بی باکی و وارستگی هم از این (Detachment). هم از این روست که آثار آنها ماندگار و نامیرا است.

نویسندگان باید دوباره آن واژه دیرین که ادبیات نوین با آن آغاز گشت را بیاموزیم، منظورم همان واژه یک هجایی «نه» است. من همیشه بر آن بوده ام که سرایش شعر - حتی شباهت ترین آن که از وحشت و فاجعه پدید می آید - پیوسته به جشن بزرگداشت هستی راه میبرد. در واقع برترین وظیفه کلام ستایش هستی و زندگی است، لیکن پیش از آن باید «نه گفتن» را فر گرفت. تنها در این صورت قادریم توانایی احتمالی خود را در گفتن آن آری پرطنینی نشان دهیم که زندگی هر روز با آن به پذیره روز نو میروند.

برگردان ج - بهمداد

میر نظامی است داده است، سران ارتش گواتمالا هنوز در حکومت این کشور دست بالا را دارند و به جنایات فجیع خود ادامه می دهند. بدنبال اعلام اضطراری جایزه صلح نوبل به ریگو برتا منچو، سالیانس با خانم منچو دیدار کرد و از او خواست برای برقراری صلح میان دولت و چریکها میانجیگری کند. منچو پذیرش درخواست سالیانس را منوط به شرایطی کرده است.

اعطای جایزه صلح نوبل ۱۹۹۲ به ریگو برتا منچو از این لحاظ اهمیت دارد که درست بهر مان با اعلام وی به عنوان برنده جایزه، جشن های پانصدمین سال سفر کریستف کلمب به آمریکای مرکزی بر گزار شد. در جمهوری دومینیکن مناسبت جشن های کریستف کلمب بنای مصلیمی بصورت یک صلیب بعنوان مظهر مسیحی شدن قاره آمریکا توسط اسپانیایی ها ساخته شد. در حالیکه صد ها هزار نفر از مردم جمهوری دومینیکن از فقر و محرومیت رنج می برند، تنها این خاطر که در سال ۱۴۹۲ در آنورد اسپانیایی پای خود را به محلی گذاشت که اکنون بخشی از قلمرو این جمهوری است، دهنجا میلیون

جایزه صلح نوبل ۱۹۹۲ به خانم ریگو برتا منچو، رهبر ۳۳ ساله جنبش سرخپوستان گواتمالا تعلق گرفت. منچو بخاطر فعالیت خود علیه نقض حقوق بشر توسط دولت و ارتش گواتمالا، شهرت یافته است. در سال ۱۹۸۲ پدر، مادر و دو برادر منچو بدست نظامیان گواتمالایی بطرز فجیعی قتل رسیدند و خود او اجار از مهاجرت به مکزیک شد. منچو هنوز در مکزیک زندگی می کند. او اعلام کرده است حدود هشتصد هزار دلار مبلغ نقدی جایزه صلح نوبل را صرف ادامه مبارزه در راه احیای حقوق بموطنان سرخپوست خود خواهد کرد.

نظامیان گواتمالایی در ارتکاب جنایات فجیع علیه سرخپوستان این کشور که حدود نیمی از جمعیت گواتمالا را تشکیل میدهند، شجرت یافته اند. از حدود سی سال پیش، گواتمالا شاهد جنگ داخلی خونینی است که در آن، ارتش برای سرکوب جنبش چریکی به هر وسیله ای، از جمله قتل هم مردم بیگناه و ویژه سرخپوستان این کشور آمریکای مرکزی، متوسل میشود. با اینکه چند سال است حکومت تمام همیار ژنرال ما جای خود را به دولت پرزیدنت سالیانس که یک

جنوبی که کشورهای شناخته شده ای در میان مردم دنیا هستند، سنت لوسیا (یکی از جزایر کارائیب) که واکت در آن دنیا آمده و زیسته را کمتر کسی می شناسد. در واقع وی به یمن اقامت در یک کشور دوم و انتشار یک مجموعه شعر به زبان انگلیسی توانسته است خود را در مرزهای نامزدان جایزه ادبی نوبل وارد کرده و بر انجام آن را برپاید.

واکت همچون برخی دیگر از نویسندگان هم میچش، زادگاه خود را در همان اوان جوانی ترک کرد و به جامائیکا رفت، چرا که عقب ماندگی فرهنگی و آموزشی کارائیب را مانع رشد و برایش استعداد های خود می دانست. در آنجا وی اولین دفتر شعر خود را منتشر کرد که منتقدان در باره اش نوشتند: «واکت انباشته از سوسک آشپزخانه و تار عنکبوت است.» وی پس از این تجربه ناکام به تحصیل مشغول گشت و پس از اتمام آن به ترینیداد و توباگو رفت و به عنوان منتقد ادبی، مشغول به کار شد. سال ۱۹۵۹ وی «کارگاه ناآرام ترینیداد» را بنیاد نهاد و توانایی خود در نوشتن درام را به آزمایش گذاشت. واکت در سالهای دهه ۶۰ به

جایزه ادبیات نوبل امسال از آن درک واکت (DERECK WALCOTT) شاعر و نویسنده اهل کارائیب شد. وی که ۶۲ سال دارد، در ترینیداد و بوستون به زندگی و تدریس ادبیات انگلیسی مشغول می باشد. کمنته ادبی نوبل واکت را به عنوان شاعری که «مرزهای فرهنگی را در نور دیده» ستوده است. به گفته برخی از منتقدان و ارزیابی ادبی قدرت و خلاقیت شاعرانه واکت از زادگاه وی، اصل و نسب آفریقایی و تسلط بر زبان انگلیسی سرچشمه می گیرد.

جایزه ادبی نوبل طرف سال های اخیر بیشتر از آن شاعران و نویسندگانی شده که چندان نام و نداشته اند. برای نمونه وله سوئیکا (نیجریه)، نجیب محفوظ (مصر) و گردیمر (آفریقای جنوبی) که در سال های گذشته جایزه ادبی نوبل را برنده اند، بیشتر در میهن خود مطرح بوده اند تا در هر صه بین المللی. این البته برای کمیته ادبی نوبل یک حسن است، زیرا نشانه فاصله گیری از گرایش اروپامدارانه و توجه بیشتر به ادبیات جوامع پیرامونی است. بر خلاف مصر، نیجریه و آفریقای

شعری بر آمده از فرهنگهای گوناگون

جنوبی که کشورهای شناخته شده ای در میان مردم دنیا هستند، سنت لوسیا (یکی از جزایر کارائیب) که واکت در آن دنیا آمده و زیسته را کمتر کسی می شناسد. در واقع وی به یمن اقامت در یک کشور دوم و انتشار یک مجموعه شعر به زبان انگلیسی توانسته است خود را در مرزهای نامزدان جایزه ادبی نوبل وارد کرده و بر انجام آن را برپاید.

واکت همچون برخی دیگر از نویسندگان هم میچش، زادگاه خود را در همان اوان جوانی ترک کرد و به جامائیکا رفت، چرا که عقب ماندگی فرهنگی و آموزشی کارائیب را مانع رشد و برایش استعداد های خود می دانست. در آنجا وی اولین دفتر شعر خود را منتشر کرد که منتقدان در باره اش نوشتند: «واکت انباشته از سوسک آشپزخانه و تار عنکبوت است.» وی پس از این تجربه ناکام به تحصیل مشغول گشت و پس از اتمام آن به ترینیداد و توباگو رفت و به عنوان منتقد ادبی، مشغول به کار شد. سال ۱۹۵۹ وی «کارگاه ناآرام ترینیداد» را بنیاد نهاد و توانایی خود در نوشتن درام را به آزمایش گذاشت. واکت در سالهای دهه ۶۰ به

ویلی برانت در برلین بخاک سپرده شد

ویلی برانت صدراعظم اسبق آلمان که روز هشتم اکتبر در گذشته بود، هفدهم اکتبر در برلین به خاک سپرده شد. در مراسمی که از سوی دولت آلمان به مناسبت مرگ برانت در همارت رایشتاگ، پارلمان آلمان پیش از جنگ جهانی دوم، برگزار شد، بسیاری از شخصیت‌های سیاسی بین‌المللی مانند فرانسوا میتران رئیس‌جمهور فرانسه، میخائیل گارباچف آخرین رئیس‌جمهور شوروی، فیلیپ گونزالس نخست‌وزیر اسپانیا، ادوارد هیت نخست‌وزیر اسبق بریتانیا و نیز مقامات عالی‌رتبه آلمان شرکت کردند. طیف گسترده سیاستمداران که برای ادای احترام به برانت راهی برلین شدند، نمایانگر اعتبار و حیثیت قابل توجهی است که نیروهای مختلف سیاسی برای بزرگترین شخصیت جنبش سوسیال دموکراسی اروپای پس از جنگ قائل بودند.

پیوستن آلمان شرقی به آلمان غربی است. برانت برخلاف اکثریت سوسیال دمکرات‌ها، مشی کهل در تحقق هر چه زودتر وحدت دولتی دو آلمان، موافقت کرد. ویلی برانت به خاطر مواضع ضد کمونیستی در دوره مسئولیت خود به عنوان شهردار برلین غربی، و نیز طرفداری از "تجدید وحدت" از سوی نیروهای محافظه‌کار به عنوان یک سیاستمدار "میهن پرست" مورد پذیرش قرار گرفت. این در حالی بود که لاقال گذشته سیاسی برانت، معاصر سیاسی مخالف، هیتلر که با "نیفورم دشمن" به میهن خود بازگشت، او را از "میهن پرستان" دست راستی متمایز می‌کرد.

بی‌شک یکی از مهم‌ترین نکات مثبت در فعالیت برانت، گزارش "کمیسون شمال و جنوب" بود که تحت مسئولیت وی تهیه شد. همانگونه که در این گزارش بازتاب یافته است، برانت از طرفداران تحول در نظم اقتصادی بین‌المللی بسود کشورهای رشدیافته بود. وی همچنین به عنوان چهره‌های فعال در مبارزه علیه رژیم‌های دیکتاتوری و برای احترام به حقوق بشر در سراسر جهان، شناخته شد. برانت هر آنچه در توان داشت برای جلوگیری از حمله آمریکا و متحدانش به عراق انجام داد و بدین منظور به بغداد نیز سفر کرد.

جنبش سوسیال دموکراسی، بزرگترین رهبر خود پس از جنگ جهانی دوم را از دست داده است. هیچ شخصیتی مانند برانت بر شکل‌گیری سیاست و ایدئولوژی این جنبش تأثیر نگذاشته است. آیا مرگ برانت، به معنای پایان یک "دوره طلایی" در حیات سوسیال دموکراسی است؟ قدر مسلم این است که این جنبش پس از برانت در هیچ کشور اروپا و شاید جهان چهره مشابهی که از اعتبار و حیثیت رهبر متوفای انترناسیونال سوسیالیستی برخوردار باشد، ندارد. حتی در درون صفوف حزب سوسیال دمکرات آلمان، همزمان با مرگ برانت اختلافات جناح‌ها بالا گرفته است، و کمبود نیروهای متحدکننده‌ای که بتواند بر قوه گریز از مرکز جناح‌ها قله کند، احساس می‌شود. ویژگی برانت این بود که بدون نشانی از فرصت طلبی و نان را به نرخ روز خوردن، تمایلات نیروهای مختلف سوسیال دموکراسی را حتی در آن واحد نمایندگی می‌کرد. هر سوسیال دمکرات، در شخصیت برانت بخشی از هویت خود را می‌دید.

آلمان باقی ماند، وی از سال ۱۹۷۶ تا یک ماه پیش از مرگش ریاست انترناسیونال سوسیالیستی را نیز برعهده داشت. در جنبش بین‌المللی سوسیال دموکراسی، برانت از محبوبیت بسیار برخوردار بود و بویژه سوسیال دمکرات‌های جنوب اروپا و آمریکای لاتین به او به عنوان یک سرمشق می‌نگریستند.

زندگی سیاسی برانت، نموداری از بفرنجی‌هایی است که نیروی سوسیال دمکراتی که می‌خواهد در یک جامعه سرمایه‌داری، اداره امور دولتی را برعهده‌بگیرد، با آن مواجه است. ویلی برانت، برخلاف برخی دیگر از سیاستمداران سوسیال دمکرات، مانند هلموت اشمیت، جانشین برانت در مقام ریاست دولت، یک فرمیست واقعی بود و می‌خواست با دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی، تا آنجایی که ممکن است عدالت اجتماعی را برقرار کند. او در تمام طول حیات خود برای صلح و دوستی میان ملت‌ها فعالیت کرد. از این لحاظ، جمله کوتاهی که تنها نوشته روی سنگ قبر برانت را تشکیل می‌دهد، گویاست: "او تلاش خود را کرد!"

اما کارنامه سیاسی برانت، به اعتراف خود او خطاهایی را نیز نشان می‌دهد. برانت و حزب سوسیال دمکرات با شرکت در "ائتلاف بزرگ" ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹، در مقابله با جنبش چپ کنار نیروهای دست راستی قرار گرفتند و برخلاف شعاری که برانت بدان معتقد بود، کوشیدند دموکراسی را محدودتر کنند. برانت در دوره زمامداری‌اش، فرمانی را امضا کرد که به "دستورالعمل در مورد رادیکال‌ها" معروف شد و طبق آن، در طول دهه‌های ۷۰ و ۸۰، اعضای حزب کمونیست و سازمان‌های متحد آن از خدمت در مؤسسات دولتی اخراج شدند. با اینکه برانت چند سال پیش به نادرستی این اقدام اعتراف کرد، اما تأثیر این تصمیم ضد دمکراتیک او باقی ماند. طبق دستورالعمل برانت، هزاران نفر تنها بخاطر عقاید سیاسی خود شغل و درآمدشان را از دست دادند.

یکی دیگر از مواردی که بفرنجی موضع سیاسی برانت را نشان می‌دهد، همصدا شدن او با نیروهای محافظه‌کار به رهبری هلموت کهل در تسریع روند

سازمان ملل متحد درآمدند. در سال ۱۹۷۱، جایزه صلح نوبل به خاطر تلاش‌های برانت برای تحقق اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در اروپای غربی تعلق گرفت. یک واقعه در شناساندن شخصیت برانت به عنوان یک آلمانی صلح‌دوست تأثیری بسزا داشت. برانت هنگامی که به عنوان صدراعظم آلمان فدرال برای امضای قرارداد حسن همجواری با لهستان، به ورشو رفته بود، در حین نشان دست‌گل به بنای یادبود قربانیان سرکوب قیام یهودیان ورشو توسط هیتلر، به زانو درآمد. وی بعدها گفت که این حرکت، با برنامه‌ریزی قبلی نبوده، بلکه او در آن لحظه "در زیر بار سنگین تاریخ" بدین گونه ادای احترام کرده است.



برانت با زانو زدن در برابر بنای یادبود قربانیان فاشیسم در ورشو به عنوان صدراعظم آلمان فدرال جنایات نازی‌ها را به عهده گرفت.

اما مشی صلحدوستانه برانت در داخل آلمان غربی با مخالفت جدی روبرو بود. در سال ۱۹۷۲، نیروهای دست راستی طرح رأی عدم اعتماد به برانت را به پارلمان بردند. این طرح تنها با اکثریتی بسیار ضعیف رد شد. تعداد آرای مخالف برانت، نشان می‌داد که از میان نمایندگان ائتلاف حاکم نیز برخی اعضای پارلمان به او رأی مخالف داده‌اند. خرابکاری علیه برانت در صفوف خود حزب سوسیال دمکرات در سال ۱۹۷۴ به حدی رسید که برانت در این سال، ظاهراً به علت فاش شدن ماجرای جاسوسی یکی از دستیارانش برای آلمان شرقی، اما در حقیقت به خاطر عدم حمایت کافی حزبی، از ریاست دولت کناره‌گرفت.

برانت با این حال تا سال ۱۹۸۷ در رأس حزب سوسیال دمکرات

صدارت عظمی را کیسینگر، عضو سابق حزب نازی در دوره حکومت هیتلر برعهده داشت و وزیر خارجه، ویلی برانت بود که از آغاز با هیتلر مبارزه کرده بود. در سال ۱۹۶۹، حزب سوسیال دمکرات برای نخستین بار در انتخابات پارلمانی بیش از احزاب مسیحی رأی کسب کرد و به بزرگترین نیروی سیاسی آلمان تبدیل شد. برانت که از نیمه دهه ۱۹۶۰ رهبر حزب بود، بلافاصله پس از انتخابات به حزب دمکرات آزاد (لیبرال‌ها) به رهبری والتر شل پیشنهاد ائتلاف دولت آلمان سال پس از تأسیس دولت آلمان غربی، قدرت از دست احزاب محافظه‌کار خارج شد.

ویلی برانت در آغاز زمامداری خود اعلام کرد که می‌خواهد

پس از جنگ، برانت فعالیت خود را در حزب سوسیال دمکرات آلمان از سر گرفت. وی نخست به عضویت پارلمان فدرال و سپس به عنوان شهردار غرب برلین انتخاب شد. در دوره مسئولیت او به عنوان شهردار برلین، دولت آلمان شرقی دیوار برلین را ساخت و جان اف. کندی رئیس‌جمهور وقت آمریکا به عنوان زبستی علیه شوروی و آلمان شرقی، از برلین دیدار کرد و اعلام داشت: "من یک برلینی هستم." برانت به عنوان یکی از رهبران حزب سوسیال دمکرات در دوره جنگ سرد، خواه ناخواه در کارزار تبلیغاتی ضد کمونیستی شرکت داشت.

وقتی حزب سوسیال دمکرات در سال ۱۹۵۹ با تصویب "برنامه گودسبرگ" اعلام کرد که دیگره یک حزب کارگری، بلکه یک حزب "مردمی" است، ویلی برانت از رهبران حزب بود که در سال ۱۹۶۶ سوسیال دمکرات‌ها را در ائتلاف با دمکرات مسیحی‌ها و سوسیال مسیحی‌ها رهبری کرد. برانت از ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ در کابینه کیسینگر صدراعظم دمکرات مسیحی آلمان فدرال، وزیر امور خارجه بود. سوسیال دمکرات‌ها با شرکت در این کابینه، با نیروهای دست راستی در تدوین اجرای "قوانین فوق‌العاده" به منظور مقابله با جنبش اپوزیسیون خارج از پارلمان، همراهی کردند. "ائتلاف بزرگ" ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹، به یک لحاظ جمع‌اوضاع بود: در کابینه این ائتلاف، مقام

مخفی علیه هیتلر به آلمان فاشیستی و فرانسه تحت اشغال نازیسم سفر کرد. دولت آلمان برانت را شناسایی و از او سلب تابعیت کرد، به طوری که وی تا پایان جنگ جهانی دوم تنها تابعیت نروژ را داشت.

ویلی برانت به عنوان خبرنگار در صحنه‌های جنگ داخلی اسپانیا حضور داشت. وقتی آلمان هیتلری در سال ۱۹۴۰ نروژ را اشغال کرد، برانت ناچار شد به سوئد بگریزد و در آنجا به مبارزه خود ادامه دهد.

در سال ۱۹۴۵، برانت با اونیفورم ارتش نروژ و به عنوان وابسته مطبوعاتی به آلمان بازگشت تا در جلسات دادگاه نورنبرگ حضور یابد. بعدها نیروهای دست راستی از برانت به عنوان کسی که "اونیفورم بیگانه" را بر تن داشته است، نام می‌بردند.

پس از جنگ، برانت فعالیت خود را در حزب سوسیال دمکرات آلمان از سر گرفت. وی نخست به عضویت پارلمان فدرال و سپس به عنوان شهردار غرب برلین انتخاب شد. در دوره مسئولیت او به عنوان شهردار برلین، دولت آلمان شرقی دیوار برلین را ساخت و جان اف. کندی رئیس‌جمهور وقت آمریکا به عنوان زبستی علیه شوروی و آلمان شرقی، از برلین دیدار کرد و اعلام داشت: "من یک برلینی هستم." برانت به عنوان یکی از رهبران حزب سوسیال دمکرات در دوره جنگ سرد، خواه ناخواه در کارزار تبلیغاتی ضد کمونیستی شرکت داشت.

با اشتراك «کار» ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p> <p>مایلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل</p> <p>نمای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____</p> <p>Name _____ (لطفاً خوانا بنویسید)</p> <p>Address _____</p>	<p>بنای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضا فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	۴۵ مارک	۹۰ مارک	۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p> <p>کدبانک:</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
شش ماهه	یکساله							
۴۵ مارک	۹۰ مارک							
۵۲ مارک	۱۰۴ مارک							

سازمان ملل :

در خدمت بشریت یا منافع قدرت های بزرگ ؟

۲۴ اکتبر (دوم آبان) سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد است ۴۷ سال پیش در چنین روزی، دولت‌ها با درس گرفتن از تجربه سیطره فاشیسم بر اروپا و جنگی که بیش از ۵۰ میلیون قربانی گرفت، نهادی را بنیاد گذاشتند که می‌بایستی در خدمت اهداف زیر باشد:

۱- حفظ صلح جهانی و امنیت بین‌المللی...

۲- بسط مناسبات دوستانه و مبتنی بر احترام به اصل برابری حقوق و حق تعیین سرنوشت ملل میان کشورها...

۳- تحقق همکاری بین‌المللی برای حل مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی بین‌المللی و رشد و تحکیم احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، صرف نظر از نژاد، جنس، زبان یا مذهب...

۴- ایفای نقش مرکزی برای هماهنگی تلاشهای کشورهای در جهت تحقق این اهداف (برگرفته از منشور ملل متحد، مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵)

به اراده آمریکا گردن نهند، تکلیف سایر اعضای شورای امنیت که با مزاج رسته به اقتصاد جهانی و سیاست بین‌المللی تحت نفوذ آمریکا وابسته اند، روشن است.

اکنون از زوایای مختلف، ضرورت اصلاحات در سازمان ملل متحد مطرح می‌شود: کشورهای جهان سوم و جنبش عدم تعهد، خواستار لغو حق وتو و هویت دائمی چند کشور رشدیافته در شورای امنیت اند. آلمان و ژاپن می‌بایند به عضویت دائمی شورای امنیت درآیند.

برخی نهادها، فرعی سازمان ملل، محافل دموکراتیک، مجامع دفاع از حقوق بشر، خواهان آنند که نقش سازمان‌های غیر دولتی در سازمان ملل افزایش یابد تا این سازمان همانگونه که از نامش بر می‌آید، واقعاً نهاد ملت‌ها باشد و نه فقط نماینده دولت‌ها.

دمکراتیزه شدن واقعی سازمان ملل، با افزایش چند کشور جهان سوم به ترکیب شورای امنیت، تحقق نخواهد یافت، چرا که اولاً تجربه جنگ خلیج فارس نشان داد حتی اگر دولتی مانند چین که به لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی مهم‌ترین وزنه جهان سوم محسوب می‌شود، در شورای امنیت حق وتو داشته باشد، مانعی جدی در برابر اعمال قرب به رهبری آمریکا به حساب نخواهد آمد زیرا برای همه دولت‌ها، منافع خود آنها بیشتر ارزش دارد تا عدالت و حقوق بشر. ثانیاً در اکثر کشورهای جهان سوم، دولت‌هایی حاکمانه که حقوق بشر را در زمینه‌های مختلف نقض می‌کنند و به اسم مقابله با دخالت قدرتهای بزرگ، در جلوگیری از اعمال کنترل و مراقبت موثر سازمان‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، سرکوب اقلیت‌های ملی و مذهبی و مشروعیت دموکراتیک حکومت‌ها، با یکدیگر هم دستند. کافی است ببینیم در کمیسیون حقوق بشر کدام کشورها به محکومیت جمهوری اسلامی رأی منعی داده‌اند.

تلاش قدرت‌های جدیدی مانند آلمان و ژاپن برای برخوردار شدن از حقوق اعضای دائمی شورای امنیت نیز اگر به هدف خود برسد، تنها میان قدرت‌های بزرگ مساوات را برقرار خواهد کرد و بی شک هیچ‌یک از قدرت‌های تازه سربرآورده، برای دموکراسی و حقوق ملت‌ها دل نخواهد سوزاند. وقت آن فرا رسیده است که برای سنجش مشروعیت دموکراتیک سازمان ملل متحد نیز همان معیارهایی جاری شود که در سطح ملی، میزان دموکراتیک بودن حکومت‌ها با آن محک می‌خورد. اگر قرار باشد سازمان ملل، تلفنه حکومت دموکراتیک جهانی باشد و واقعا منافع همگانی ۵ میلیارد انسان را نمایندگی کند، لازم است که رعایت حقوق مردم،

دیگر حکم "مسئله داخلی" دولت‌ها را نداشته باشد. جمع جبری دولت‌هایی که بسیاری از آنها مشروعیت دموکراتیک ندارند، نمی‌تواند نماینده مردم جهان باشد. گسترش ارتباطات میان ملت‌ها، زمینه آن را فراهم کرده است که نقض کنندگان حقوق بشر، دیگر نتوانند بدور از چشم جهانیان، باکشتار و سرکوب مردم خود، پایه‌های حکومتی خودکامه را حفظ کنند. سازمان ملل باید به ابزاری مؤثر در جلوگیری از پایمال شدن حقوق آزادی‌های فردی و اجتماعی تبدیل شود.

آیا طرح این خواست، به معنای گشودن راه مداخله قدرت‌هایی مانند آمریکا است که به بهانه برقراری موازین حقوق بشر، کوشیده و خواهند کوشید نفوذ خود را در جهان گسترش دهند؟ تردیدی نیست که آمریکا و سایر قدرتهای بزرگ از امکانات اقتصادی و سیاسی کافی برای اعمال نفوذ، برخوردارند. اما آیا کسی جداً به این فکر می‌افتد که در کشوری که در آن دیکتاتوری حاکم است، ضرورت رعایت موازین قانونی در مناسبات میان انسانها، فی‌المتل مضمون بودن جان مردم از تعرض بزهرکاران و حتی قواعد ظاهر آرایش‌های مانند مقررات راهنمایی رانندگی را به صرف اینکه ضامن اجرای این قواعد، دولتی غیر دموکراتیک است، منکر شود؟ درست است که بسیاری از کشورهای جهان سوم، مداخله جویی امپریالیستی می‌شوند، اما این نیز یک واقعیت است که در تعداد شاید بیشتری از کشورها، بزرگترین مصائب دامن‌گیر مردم، ناشی از آن است که حکومت‌های مستبد و آدم‌کش، فارغ از مراقبت و نظارت افکار عمومی جهان، مردم را سرکوب می‌کنند و منابع ملی را به سود پر شدن کیسه اقلیتی فارتگر، بر باد میدهند. اگر سازمان ملل با افزایش نقش جمعیت‌های دفاع از حقوق بشر، نهادهای مدافع حقوق اقلیت‌های ملی، گروه‌های طرفدار حفظ محیط زیست و سازمان‌های هوادار دموکراتیزه شدن مناسبات اقتصادی جهانی در آن، به ارگان واقعی نظارت دموکراتیک افکار عمومی بین‌المللی تبدیل شود، هرچه میزان مداخله آن در امور کشورها بیشتر باشد، بهتر است. اما حتی در شرایط کنونی نیز که هنوز دموکراسی بر سازمان ملل حاکم نیست، حضور این سازمان در بسیاری از موارد، بهتر از عدم حضور آن است. هیچ دمکرات ایرانی نیست که خواهان افزایش اختیارات بازرسی کمیسیون حقوق بشر در ایران نباشد و چنین اختیاراتی را مقایز با اصل حاکمیت ملی بداند. هیچ کس نیست که بتواند اذیت‌ها را در شرایط کنونی، مداخله سازمان ملل در بالکان، افغانستان یا کامبوج به ضرر منافع مردم کشورهای مربوطه است.

تردیدی نیست برای آنکه قدرت‌های بزرگ نتوانند سازمان ملل را کماکان به ابزار به‌کرسی نشانیدن اهداف مداخله‌جویانه خود تبدیل کنند، حذف حق وتو یک

انتخابات آمریکا: کی چه می‌گوید

ادامه از صفحه ۱۲

هنوز ۳۰ میلیون آمریکایی زیر پوشش بیمه‌های درمانی و اجتماعی نیستند. در آینده طبق برنامه کلیتون کارخانه‌داران باید این افراد را بیمه کنند و یا سهمی به بیمه دولتی بپردازند.

در سال ۱۹۹۱ بیش از ۳۵ میلیون آمریکایی فقیر و ۳۰ میلیون شهروند آمریکا از سوء تغذیه رنج می‌برند. این ارقامی است، که آمریکا از سال ۱۹۶۴ تاکنون بخود ندیده است. ولی کمک هزینه دولتی به بیچارگان و فقرا را کلیتون می‌خواهد کوتاه و محدود سازد. و به جای آن بیکاران و فقرا را در بازار گشت به زندگی عادی و کار، از طریق دیدن دوره‌های آموزشی و حرفه‌ای و یاد گرفتن حرفه تازه یاری کند.

به نظر پاول سامولسن برنده جایزه نوبل اقتصاد برنامه کلیتون منظم و به‌جاست. تنها شکلی که بر برنامه او روا است، چگونگی تامین مالی این برنامه می‌باشد. کلیتون در نظر دارد، قبل از هر چیز با کاهش بودجه‌های نظامی، بستن مالیات بیشتر بر ثروتمندان آمریکا و بستن راه فرار شرکت‌های خارجی برای دررفتن ازریر بار مالیات، برنامه خود را از لحاظ مالی تامین کند. وی امیدوار است که بارشده سرمایه‌گذاری‌های عمومی سه درصد به نرخ رشد افزایش یافته و بدین طریق درآمدهای مالیاتی دولت افزایش یابد. کسری بودجه دولتی آمریکا اکنون بالغ بر ۳۳۰ میلیارد دلار می‌باشد و طبق برنامه دمکرات‌ها کسری دولت باید تا سال ۱۹۹۶ به ۱۴۱ میلیارد دلار کاهش داده شود.

جرج بوش در شوهای تبلیغاتی خود اعلام کرده، در صورت انتخاب مجدد، برنامه مرتاضانه‌ای را به کنگره ارائه دهد و در عرض پنج سال ۲۹۰ میلیارد دلار صرفه‌جویی کند. بوش و جمهوری خواهان برای دستیابی به این امر می‌خواهند از کمک‌های مالی به دهقانان، کودکان بی‌پنجر و فقیر، بیمه‌های اجتماعی و اعتبارات دانشجویان بزنند.

جمهوری خواهان دمکرات‌ها هیچکدام برنامه‌های حساب شده و موثری برای کاهش بدبختی‌های دولتی ندارند. طبق تئوری هرزه، که جرج بوش پیروااش است، مالیات کمتر به بالا رفتن حجم پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و در نهایت رشد بیشتر می‌شود. ولی این خواب و خیالی بیش نیست. بدون سرمایه‌گذاری، رشد تنها به قیمت بالا رفتن کسری بودجه و نرخ بهره پایین میسر است. و این در حالی است که در دهه گذشته فقط ۱/۷ درصدی از تولید ناخالص داخلی صرف شده است. و بقیه صرف مصرف نسل کنونی آمریکا شده. از ۳۰۰ میلیارد دلار دیون تازه نیز، که دولت برای سال ۱۹۹۳ در نظر گرفته، تنها ۱/۳ آن برای آینده آمریکا سرمایه‌گذاری می‌شود.

۲/۳ قروض نسلی آینده آمریکا خرج مسائلی می‌شود، که تنها به نفع آمریکایی‌های معاصر است. ولی هدف کلیتون این است که در فرصتهایی سرمایه‌گذاری کند، که در درازمدت قابلیت رقابت جهانی آمریکا را تامین کند.

آمریکا بالا است، کلیتون آنها مالیات کم پرداخت می‌کنند. جرج بوش جمهوری خواه می‌خواهد هزینه‌های عمومی دولت را کاهش دهد، رقیب دمکراتش برعکس خواهان بالا بردن بودجه دولت در امور عام‌المنافع است. بوش به محیط زیست کمتر توجه دارد، کلیتون بیشتر.

استراتژی اقتصادی بوش را می‌توان در "تجدید حیات ریگانیزم" خلاصه کرد. جرج بوش که از بدترین کارنامه اقتصادی در میان رؤسای جمهوری آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم برخوردار است، کماکان به تئوری هرزه و تقاضا سلف پیشین خود "ریگان" اقتدار دارد.

استراتژی اقتصادی کلیتون بالعکس مقدم بر همه توسعه و افزایش سرمایه‌های دولتی است و نه فقط بخش خصوصی. طبق برنامه کلیتون باید تا سال ۱۹۹۶ ۲۲۰ میلیارد دلار در بازسازی و نو سازی زیر ساخت کشور، رشد تکنولوژیک، برنامه‌های آموزشی و تربیتی و حمایت مالی دولت از سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی سرازیر شود. هدف برنامه کلیتون ارتقا بازمی اقتصادی و بدین طریق احیای پیش‌شرطهای ضرور برای درصد بالای رشد اقتصاد و درآمد بیشتر است.

به نظر معتبرترین مشاوران اقتصادی کلیتون، برنامه‌های اقتصادی او، برنامه اقتصادی کوتاه مدت و استوار بر اصول "کینز" نمی‌باشد و تلاشی درازمدت برای مهار مشکلات ساختاری اقتصاد آمریکا است.

محور اساسی بنا شده: با توجه به عقب ماندگی شدید تخصص دانش آموزان، دانشجویان و کارگران در مقایسه با دیگر کشورهای پیشرفته صنعتی دنیا، دولت مرکزی باید بودجه آموزشی خود را به‌طور محسوس افزایش کلی دهد. و کودکان خانواده‌های فقیر آمریکایی در آینده مجبور به دیدن دوره آمادگی در چهار چوب برنامه START - HEAD می‌باشند. طبق برنامه کلیتون کارخانه‌داران موظف خواهند بود یک و نیم درصد از درآمد خود را به ادامه آموزش کارگران خود اختصاص دهند.

با پول‌ها و خیابان‌های خراب و در حال ریزش اقتصاد آمریکا هم نمی‌تواند رشد کند. به همین خاطر کلیتون در برنامه خود گنجینه‌هاست، سالانه بیست میلیارد دلار خرج مرمت و بازسازی زیرساخت آمریکا، پل‌سازی و راه‌سازی، تعمیر و بهبود خطوط هوایی و راه‌آهن می‌شود.

* به استناد کلیتون و مشاوران این نقطه سرمایه‌گذاری است که می‌تواند در دهه نود رشد اقتصادی آمریکا را ممکن سازد. نه استخدام کارگران تازه. آمریکا تنها پنج درصد از درآمد خود را صرف پژوهش، تکامل و ساختن ماشین‌آلات، کارخانجات و تکنیک‌های تازه می‌کند. این رقم بسیار کمتر از سایر کشورهای غربی است. به همین خاطر کلیتون می‌خواهد، تله - کمونیکاسیون و تکامل تکنولوژی محیط دوستانه را بوسیله دولت حمایت کرده و صنایع نظامی را در گذار از تولید نظامی به تولید کالاها غیر نظامی کمک کند.

امیر برادری

با اشتراك كار
ما را در پيشبرد وظيفمان ياري رسانيد

تهاجم ترکیه علیه کردها ادامه دارد

جنوب به حزب کارگران شدت بخشیده اند و همچنین بامراتبت از مرز عراق و سوریه می‌کوشند مانع رسیدن نیروهای تقویتی به مواضع حزب کارگران کردستان ترکیه شوند.

اخیرا روزنامه اورگور گوئدم چاپ ترکیه عکس‌های تکان دهنده‌ای از شکنجه و قتل یک اسیر کرد بدست نظامیان ترک منتشر کرد. در این عکس‌ها، دیده می‌شود که چگونه نظامیان ترک یک حلقه سیمی را به گردن یک فرد کرد که از شدت شکنجه بی‌رمق روی زمین افتاده است، انداخته و او را با یک زهرپوش آغدر روی زمین کشیده‌اند تا بپرد.

رهبران کرد هراتی هفته گذشته اعلام کردند نیروهای مسلح شان خود را برای یک تهاجم وسیع علیه حزب کارگران کردستان آماده می‌کنند. به ادعای مسئول نظامی دولت خودمختار کردستان عراق، جمهوری اسلامی از طریق رساندن مواد غذایی و مهماتی که بصورت بار چارپایان از مرز عبور

هفته گذشته نیروی هوایی ترکیه به حملات خود علیه مواضع اردوگاههای حزب کارگران کردستان ترکیه در شمال عراق ادامه داد. خبرگزاری آناتولی ترکیه گزارش داد مدتی حملات که طی آن، بی‌المثل در روز دوشنبه ۲۷ مهرماه به مدت نیم ساعت بمباران شدید صورت گرفت، منطقه شمال شرقی شهر زاخو در کردستان عراق بوده است.

روزنامه حریت چاپ استانبول گزارش داد نیروی زمینی ارتش ترکیه در عملیات بیرون مرزی خود جبهه دومی علیه چریکهای کرد در منطقه هکورک گشوده است. این گزارش می‌افزاید یک تیپ ارتش ترکیه بدنبال حملات هوایی با کمک هلی‌کوپترهای جنگی چریکهای حزب کارگران را که می‌کوشیدند به خاک ایران عقب نشینی کنند، مورد حمله قرار داده است. دو هفته پیش، جبهه اول جنگ ارتش ترکیه علیه چریکها در منطقه هفتتین در نزدیکی مرز سوریه گشوده شد. حریت می‌نویسد نیروهای کرد هراتی به حملات خود از



ریگو برتامنچو برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۹۲ در صحنه ۹

ویلی برانت بخاک سپرده شد

در صحنه ۱۰

گفتگوهای صلح خاور میانه پیشرفت ها و موانع

اسرائیل - فلسطینیان نیز قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر "زمین در برابر صلح" به عنوان سند پایه در نظر گرفته شود. در مورد اورشلیم هیئت فلسطینی بر آن است که این شهر را می‌توان به شهری بین‌المللی زیر پوشش سازمان ملل تبدیل کرد.

دور هفتم مذاکرات صلح خاورمیانه از روز چهارشنبه ۲۹ مهر آغاز گردید. ناظران سیاسی به رغم برخی پیشنهادها تازه اسرائیل در مورد عقب‌نشینی از بلندیهای جولان، نتایج چندانی برای این دور از مذاکرات پیش‌بینی نمی‌کنند.

چنانکه آمد، ناظران سیاسی به دور جدید مذاکرات امید چندانی نداشته‌اند. همین است که از یکسو وضعیت رهبری آینده‌ناک سفید نامعلوم است و از سوی دیگر کابینه اسرائیل دچار یک بحران درونی است. همه طرف‌های مذاکره واقفند که نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که در ماه آتی (نوامبر) برگزار خواهد شد، بر سر نوشت گفتگوها تأثیر جدی خواهد گذاشت. اگر پیش‌بینی‌ها درست از آب درآید و کلینتون، نامزد دمکرات‌ها به کاخ سفید راه یابد، بعید نیست که به سبب نزدیکی سنتی دمکرات‌ها به محافل یهودی آمریکا و رهبران تل‌آویو، اسرائیل موضع سخت‌تری اتخاذ کرده و از همین ترس و انعطاف ناچیز کنونی نیز احتراز کند. کشاکش و کشمکش که از چندی پیش در میان احزاب مؤتلف در کابینه اسرائیل پدید آمده نیز می‌تواند بر روند مذاکرات تأثیرات نامطلوبی برجای گذارد. این کشمکش که میان حزب کوچک مرتس از یکسو و حزب مذهبی شاس از سوی دیگر بر سر سیاست‌ها و برنامه‌های وزیر آموزش عالی (از حزب مرتس) در گرفته‌ها شا ید که کابینه فعلی را از حمایت پارلمان محروم سازد. قرار است که تا ۱۰ روز دیگر پارلمان درباره رأی عدم اعتماد اپوزیسیون به دولت تصمیم‌گیری کند. حزب شامس اعلام کرده است که در صورت عدم کنارگیری وزیر علوم از دادن رأی اعتماد به دولت سرباز خواهد زد. در این صورت رابین، رهبر حزب کارگر و نخست وزیر کنونی برای تشکیل دولت جدید ناچار است به احزاب راست و مذهبی روی بیاورد. این احزاب مخالف هرگونه واپس‌نشینی اسرائیل از اراضی اشغالی و بلندیهای جولان هستند. بدینسان تا انتخاب رئیس جمهور جدید آمریکا و پایان یافتن بحران کابینه اسرائیل، سر نوشت مذاکرات صلح خاورمیانه در جاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند.

مبثت خوانده، اما در همین حال آن را آلوده به ایده‌ها و نظرات پیشین این کشور دانسته است. به گفته موفق هلاف، سرپرست هیئت سواری، اسرائیل باید سرانجام خروج کامل از بلندی‌های جولان را بپذیرد و دولت دمشق به هیچ وجه به خروج کامل اسرائیل از این ارتفاعات رضایت نخواهد داد. برخلاف دور پیشین مذاکرات که مسئله اراضی اشغالی فلسطین در محور گفتگوها قرار داشت، اینبار به این مسئله چندانی پرداخته نخواهد شد.

هیئت نمایندگی فلسطینی که اینبار پس از دیدار با رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین مازم واشنگتن نشده است، نسبت به طولانی شدن روند مذاکرات و عدم نرمش لازم از سوی اسرائیل ناخرسند است. تأخیر در روند مذاکرات پاره‌ای از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین را نسبت به موفقیت آن دچار شک و بدبینی ساخته و کسانی همچون جرج حبش و نایف حواتمه، رهبران جبهه خلق و جبهه دمکراتیک خواهان عدم شرکت در مذاکرات شده‌اند. در این میان پاره‌ای از محافل فلسطینی بیم آن دارند که منافع فلسطینیا در مذاکرات فعلی قربانی توافق و تانی سوریه و اسرائیل شود و همچون مذاکرات کمپ دیوید، فلسطینی‌ها هیچ دستاوری نیابند.

بیش از سه هزار تن از نیروهای حزب کارگران کردستان در شمال عراق به محاصره کردهای هراتی و ارتش ترکیه درآمده‌اند. کردهای هراتی می‌گویند طی حملات هوایی ۲۷ مهرماه ترکیه به مواضع حزب کارگران در شمال عراق، حداقل ۱۸ تن از نیروهای حزب کارگران به قتل رسیده‌اند.

سازمان هغو بین‌المللی می‌گوید ارتش ترکیه در تهاجم خود علیه حزب کارگران، دست به جنایت علیه مردم غیر نظامی می‌زند. در گزارشی که از تلویزیون آلمان پخش شد، ساکنان یک روستای کردستان ترکیه گفتند که نظامیان ترک همه خانه‌های روستا و ذخیره آذوقه زمستانی مردم را آتش زده‌اند. یک سازمان امدادایالات متحده اعلام کرد حداقل ۱/۶ میلیون نفر در شمال عراق در معرض خطر مرگ از گرسنگی و سرما قرار دارند. این سازمان می‌گوید اگر تا آغاز زمستان به مردم این منطقه کمک نرسد، "یک فاجعه انسانی با ابعاد عظیم" رخ خواهد داد.

سازمان هغو

بین‌المللی:

ارتش ترکیه در تهاجم خود علیه حزب کارگران

به جنایت علیه مردم غیر نظامی دست می‌زند.

داده می‌شوند، به حزب کارگران کمک می‌کند. این گزارش حاکی است همراه با آخرین کاروانی که از مرز عبور کرده است، حدود ۲۵۵ نفر عضو حزب کارگران وارد شمال عراق شده‌اند. به گزارش رسانه‌های ترکیه،

کنگره حزب کمونیست چین

نیز از اطمینان‌تنگ است. از آنجا که دو عضو قدیمی رهبری به نامهای لی روی‌هان و شیائو سی نیز اصلاح طلب محسوب نمی‌شوند، چهار عضو از هفت عضو کمیته دائمی جدید متعلق به جناح تنگ‌اند. سه نفر دیگر هبارتند از هوژین تائو رهبر حزب کمونیست

کار از ترکیب کمیته دائمی کنار گذاشته شده‌اند، و در عوض سه سیاستمدار معروف به اصلاح طلب به عضویت این نهاد درآمده‌اند. روزنامه‌های غربی می‌نویسند حداقل یکی از اعضای جدید کمیته دائمی، یعنی زورونگ چی معاون نخست وزیر، طرفدار

به گزارش مطبوعات غربی، در کنگره حزب کمونیست چین نیروهای اصلاح طلب طرفدار مشی تنگ شیائو پینگ توانستند موفقیت‌آشکاری در ترکیب جدید رهبری حزب بدست آورند. این گزارش‌ها حاکی است تعداد زیادی از کادرهای جوان و اصلاح طلب به عضویت دفتر سیاسی و کمیته دائمی آن در آمدند. در همین حال، ژیانگ زه مین دبیر کل حزب که گفته می‌شود محافظه کار است، در مقام خود باقی‌ماند.

تنگ شیائو پینگ که در مباحث کنگره شرکت نداشت، در آخرین جلسه آن حاضر شد و گفت: "کنگره یک موفقیت بزرگ بود." خبرگزاری چین گزارش داد سیاستمدار ۸۸ ساله چینی، در کنگره با "بهترین روحیه و سلامت کامل" حاضر شد.

کمیته مرکزی منتخب کنگره، تصمیم گرفت تعداد اعضای دفتر سیاسی را از ۱۴ به ۲۵ و شمار اعضای کمیته دائمی دفتر سیاسی را از شش به هفت افزایش دهد. منابع غربی گزارش دادند دو سیاستمدار قدیمی محافظه

نخست وزیر. با انتخاب ژنرال لیو هواکینگ برای نخستین بار یک افسر عالی رتبه ارتش در کمیته دائمی دفتر سیاسی حضور خواهد داشت. از آنجا که ژنرال یینگ بای بینگ برادر کوچکتر یانگ شانگ کونگ رئیس‌جمهور چین نیز به عضویت دفتر



رهبران حزب کمونیست چین: ژیانگ زه مین (دبیر کل)، یانگ رئیس‌جمهور، لی پین (نخست وزیر)

سیاسی برگزیده شد، ناظران غربی انتظار دارند ارتش در رهبری حزب از نفوذ بیشتری برخوردار باشد.

در تب که تا بحال چندین شناخته شده نبوده اما برخی گزارش‌ها او را نیز از گروه تنگ می‌دانند، و نیز دو سیاستمدار محافظه‌کار یعنی ژیانگ دبیرکل حزب و لی پینگ

سرخست مشی "اقتصاد سوسیالیستی بازار" است که تنگ شیائو پینگ تدوین کرده است. این گزارش‌ها می‌افزاید عضو جدید دوم، ژنرال لیو هواکینگ

انتخابات آمریکا: کی چه میگوید

جمهوری خواه و کلینتون دمکرات وجود دارد؟ جواب آری است و این تفاوت‌ها کاملاً محرز و مشخص می‌باشد. فلسفه جرج بوش اعتقاد همان گسیخته به قدرت فردی است. کلینتون تکیه بیشتر بر قدرت دولتی دارد. به اعتقاد بوش مشکلات اقتصاد بیمار آمریکا مآهیتی موقت و گذرا داشته و دولت باید از دخالت در امور اقتصادی اجتناب ورزد. کلینتون ایالات متحده آمریکا را در بحران ژرف اقتصادی و اجتماعی قویطرور می‌داند و معتقد است، بر این بحران تنها می‌توان با کمک حکومت مرکزی فائق آمد. به نظر بوش مالیات بردار شد و تمدان ادامه در صحنه ۱۱

تنها ناراضی‌تانی آنها از وضع وخیم و بیمار اقتصاد آمریکا نیست. کلینتون، به نظر خیلی‌ها، از کرباس دمکرات‌های گذشته نیست. او در تمام جهات سیاستش، خواه سیاست اقتصادی و سیاست اجتماعی، میانه‌رو است. "کلینتون ایدئولوگ نبوده، طرفدار اصلت عمل است، و مشکلات بنیادین اقتصادی را درک می‌کند." اما آیا تفاوتی میان جرج بوش

تاکنون نیز در این امر موفق بوده است. هفت هفته قبل از آغاز انتخابات مجموعاً شانزده شرکت صنعتی قدرتمند آمریکایی از بیل کلینتون برای رسیدن به کاخ سفید حمایت می‌کنند، برای اولین بار بیشتر از سال ۱۹۶۴، سالی است که بن جانسون دمکرات کانديدای ریاست جمهوری بود. هلت تمایل و گرانش سران صنعتی و مالی آمریکا به کلینتون

بیل کلینتون کانیدیای حزب دمکرات برای احراز کرسی ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا در انتخابات آینده، که در نوامبر صورت می‌گیرد، "به تجارت آزاد و قدرت نیروهای بازار اعتقاد دارد" و می‌گوید: "به نظر من بهترین برنامه برای ایجاد اشتغال و محل کار تازه رشد اقتصادی است. ولی رشد بدون استراتژی ملی اقتصاد، که در انسان‌ها سرمایه‌گذاری کند و با رقبایمان به رقابت بپردازد، ممکن نیست."

کلینتون دمکرات تلاش دارد با این قبیل شعارها دل کارخانه‌داران و سرمایه‌داران آمریکایی را بدست بیاورد. و